

The Persian adaptation of Metalinguistic Ability Test n.3 (MAT-3)

By
Shahrzad Saif, Université Laval, Canada (Shahrzad.saif@lli.ulaval.ca)

and

Mohammad Rahimi, Shiraz University, Iran (rahimim@shirazu.ac.ir)

January 2018

***This project is carried out in collaboration with MATEL Project (Metalinguistic Awareness Tests in European Languages; 543277-LLP-1-2013-1-IT-KA2-KA2MP) directed by M. A. Pinto.**

Translation and adaptation of MAT-3 is based on:

-Pinto, M. A., et El Euch, S. (2015). *La conscience métalinguistique: Théorie, développement et instruments de mesure*. Québec: Les Presses de l'Université de Laval

-Pinto, M. A., Titone, R., and Trusso, F. (1999). *Metalinguistic Awareness: Theory, Development, and Measurement Instruments*. Roma: Istituti Editoriali e Poligrafici Internaziona

بخش اول: مقدمه

ابعاد تاریخی و نظری

MAT-3¹ ابزاری است برای ارزیابی توانایی های فرازبانی² افراد ۱۶ سال به بالا (نوجوانان و بزرگسالان) که مشغول تحصیل و یا شاغل می باشند. بنابراین، بمنظور انعکاس ماهیت مهارتهای فرازبانی این گروه، در تست MAT-3، ویژگی های تحصیلی و حرفه ای خاص آنها در ساخت تست در نظر گرفته شده است.

مهارتهای آموزشی و تحصیلی نه تنها توانایی های فرازبانی دانش آموزان را پرورش می دهند، بلکه مستلزم استفاده از این توانایی ها می باشند. بنابراین توانایی های آکادمیک افراد که قبلا در ساختن تست MAT-2 بکار رفته بودند در تست MAT-3 حتی نقش بیشتری دارند چون توانایی های فرازبانی نقشی مستقیم در یادگیری دارند. مثلا، استراتژی خواندن متون با دقت و بصورت تحلیلی که در پیشینه پژوهشهای فراشناختی (براون و دی، ۱۹۸۳)³ مورد بحث قرار گرفته است، و همچنین توانایی باز نویسی متن، مستلزم آن است که همواره رابطه بین معنا و فرم در نظر گرفته شود. در اینگونه فعالیتهای فکری، آگاهی فرازبانی نه تنها بر ارتباط بین فرم و محتوا تاثیر گذار است، بلکه، بخاطر فراهم آوردن فرمهای زبانی متفاوت برای بیان معانی معادل، به برقراری این ارتباط بین فرم و محتوی نیز تحقق میبخشد. جستجوی فکری برای یافتن معانی معادل، هم فعالیتی فراشناختی⁴ و هم فعالیتی فرازبانی می باشد: هدف این فعالیت فکری این است که فرد بتواند، با تطبیق برداشت خود از متن خوانده شده با محتوای آن، از صحت درک خود از متن اطمینان حاصل کند و متعاقبا محتوای متن خوانده شده را برای رفع یک نیاز اجتماعی بکار برد. بنابراین، فعالیت فرازبانی، از طریق تأثیر مستقیم روی فرم و مفهوم یک متن خاص، به ابزار فراشناختی تبدیل می شود.

با پیچیده تر شدن محتوای مطالب تحصیلی (از دبیرستان تا دانشگاه)، دانش آموزان باید به تدریج با مفاهیم متفاوت و پیچیده تری دست و پنجه نرم کنند. از یک سو، درک زبان علمی و تخصصی مستلزم درک آگاهانه رابطه بین فرم و معنا می باشد که در این حالت تأکید بر معنای تحت الفظی و اصلی کلمه می باشد. مثلا اگر معنی ریشه های لاتین لغات تخصصی پزشکی را در نظر بگیرید، خواهید دید که یک راه کشف مفاهیم علمی کلمات در حیطه پزشکی، دانستن معنی این ریشه ها می باشد. از سوی

1 Metalinguistic Ability Test n.3

2 Metalinguistic

3 Brown & Day, 1983

4 Metacognitive

دیگر، برای درک زبان در حیطه های دیگر مثل ادبیات، تاریخ، علوم اجتماعی، فلسفه، یا زبانشناسی، دانش آموز می باید از معنی تحت الفظی فراتر رفته و به تعبیر و تفاسیری که از زبان برداشت می شود توجه کند. و این خود مستلزم آن می باشد که دانش آموز به توانایی های فرازبانی خود که گاهاً پیچیده نیز می باشند، تکیه کند. دانش آموز باید معانی مختلف زبان متن را به کمک تشخیص فرمهای نمادین، درک مفاهیم نهفته در متن (به کمک سر نخ های کوچک)، و درک منظور نویسنده بفهمد. البته، زیر سوال بردن صحت تفسیر ها و تعبیرهای دانش آموز از متن توسط دیگر مخاطبین (مثل معلم و همکلاسی ها) می تواند باعث بیشتر شدن این پیچیدگی های معنایی شود.

در خارج از مدرسه و دانشگاه، این فراگیران جوان، و شاغلان بزرگسال آینده، مطمئناً در معرض زبان رسانه ای و زبان زندگی روزمره که سرشار از اصطلاحات مبهم و کنایه دار هستند قرار خواهند گرفت. در این مواقع، افراد باید قادر به تجزیه و تحلیل نحوی و معنایی برای درک پیامهای پیچیده مخاطبان خود باشند. معمولاً برای درک عمیق و در عین حال روان این پیچیدگی های زبانی، تجزیه و تحلیل منسجم فرازبانی ابزاری ارزشمند می باشد که به درک مطلب و رفع ابهامهای زبانی می انجامد.

تست MAT-3 قابلیت اندازه گیری توانایی فرازبانی در چنین ابعادی را دارد. از این نقطه نظر، تست MAT-3 یکی از محدودیتهای مهم ابزارهای موجود در زمینه فرازبانی را مرتفع می کند که این هم از دیدگاه نظری و هم از دیدگاه عملی کمی متناقض بنظر می رسد.

از دیدگاه نظریه های تکاملی، اگرچه توصیف دقیقی از رشد شناختی سنین بدو تولد تا ۱۸ سالگی (به لطف کار پیازه و همکارانش) در دسترس می باشد، که البته انتقادهای زیادی نیز به آن وارد است، با این حال، هیچ منبع مشابهی برای ارزیابی رشد توانایی های فرازبانی، که خود روندی مشابه روند رشد شناختی را دارند، وجود ندارد. لازم به ذکر است که مطالعات در زمینه رشد توانایی های فرازبانی به دوران کودکی و ویژگی های متمایز این پدیده خصوصاً در مراحل ابتدایی رشد محدود می شوند و تحقیقی در زمینه تحولات آتی (بعد از دوران کودکی) در این توانایی ها انجام نگرفته است. علیرغم تأکید متخصصان روانشناسی تکاملی بر ارتباط نزدیک توانایی های فرازبانی و فعالیت های فراشناختی، از آنجاییکه فرایند فرازبانی فرآیندی بسیار عمیقتر و انتزاعی تر از فرآیند های تولید و درک زبان می باشند، تحقیقات موجود اشاره ای به لزوم بررسی این فرآیندها در سنین نوجوانی و بزرگسالی نکرده اند. محقق زبانشناس با علم به چنین سطوح عمیق و انتزاعی پدیده فرازبانی می تواند دلایل محکمی برای اثبات اینکه توانایی فرازبانی عاملی موثر در توسعه پدیده چند زبانی بعد از دوران کودکی می باشد ارائه دهد.

بر خلاف دو تست قبلی MAT که بر اساس مطالب موجود ساخته شدند، محتوای تست MAT-3 بطور کامل و از ابتدا توسط گروهی از محققان به سرپرستی پینتو و تیتون در اواخر دهه ۱۹۸۰ تهیه شده است. نسخه ایتالیایی MAT-3 برای اولین بار به همراه دو تست قبلی MAT در سال ۱۹۹۹ توسط پینتو^۵ منتشر شد. نسخه فرانسوی این تست توسط پینتو و الوچ^۶ اخیراً (۲۰۱۵) منتشر شده است. نسخه فرانسوی MAT-3 در پروژه تحقیقی الوچ^۷ (۲۰۱۱) برای مطالعه پدیده چند زبانی در دانش آموزان مورد استفاده قرار گرفته است. نسخه دیگری از MAT-3 توسط زوجلی^۸ (۲۰۰۸) به زبان فرانسه برگردانده شده و در پروژه تحقیقی پینتو^۹ (۲۰۱۱) در مورد تأثیرات درازمدت دوزبانگی در سنین کودکی مورد استفاده قرار گرفته است.

در سال ۲۰۰۷، نسخه ایتالیایی تست MAT-3 با گروهی از ایتالیایی زبانها در یک تحقیق آزمایشی توسط پینتو و ایلکوکو^{۱۰} امتحان گردید. این پروژه تنها تحقیق انجام شده برای تایید MAT-3 می باشد. خصوصیات روانسنجی این تست در آینده منتشر خواهد شد. آنچه در متن زیر می آید، ترجمه و تبدیل اجزای تست MAT-3 به زبان فارسی می باشد.

ترکیب درونی و ویژگی های نظری

MAT-3 از دو قسمت تشکیل شده است که بر اساس نوع معنایی که مورد تمرکز قرار می گیرد، تقسیم شده اند: اولی در راستای استفاده های صریح و استاندارد زبانی و دومی در راستای معانی ضمنی:

الف. درک مطلب و مقبولیت؛ ب. درک زبان تمثیلی

آزمون درک مطلب در قسمت الف ارائه دهنده ی هشت جفت جمله می باشد که هر کدام جنبه های معنایی لغوی و دستوری متفاوتی را مثال می زند. دو مورد اول، درک ارتباطات کیفی، با تفاوتی اندک، در دو جمله که هم زمان ارائه می شوند را می آزمایند. تفاوت ها از طریق گزینه های لغوی خاصی بیان می شوند که آزمودنی باید در نظر بگیرد تا بتواند در مورد یکسان بودن ارتباط کیفی بین دو جمله قضاوت کند.

موارد سوم و چهارم درک ارتباطات زمانی بین دو رویداد را که از قصد به طرق مختلف برای هر جفت از جملات در نظر گرفته شده است، مورد ارزیابی قرار می دهد. در جفت اول تفاوت آشکاری

⁵ Pinto, 1999

⁶ Pinto & El Euch, 2015

⁷ El Euch, 2011

⁸ Zucchelli, 2008

⁹ Pinto, 2011

¹⁰ Pinto & Illiceto, 2007

در معنای زمانی وجود دارد که توسط عناصر آشکار و اثرگانی مشخص می شوند. در جفت دوم، میزان تفاوت کم رنگ تر است و عموماً مربوط به عناصر لغوی و تغییراتی در ترتیب کلمات استفاده شده در هر جمله می باشد.

موارد پنجم و ششم به عنوان یک آزمون درک ساخت شناسی و اثرگانی ارائه می شوند تا عنصر یکسانی در جملات را با معانی و عملکردهای متفاوت تکرار نماید. در اینجا، جنبه ی معناشناختی به اندازه ی جنبه ی دستوری تکرار در درک کلی جمله حائز اهمیت می باشد.

در آخر، موارد هفتم و هشتم، درک ارتباطات مکانی - زمانی را مورد ارزیابی قرار می دهند. تفاوت های معنایی در هر جفت از جملات در این مورد به نسبت خیلی کم هستند و بار دیگر توسط عناصر لغوی بیان می شوند که می بایستی به منظور تعیین یکسان بودن یا تفاوت ارتباطات ارائه شده تحلیل گردند. هشت مورد نخست (که در مجموع شانزده جمله به حساب می آیند) آزمون درک مطلبی را تشکیل می دهند که کاملاً بر مسئله مترادف متمرکز می باشد. لازم به ذکر است که نسخه ی کنونی آزمون، برگرفته از ادغام عناصر متفاوت در نسخه های اصلی و متفاوت این آزمون که هدف آن ارزیابی درک مطلب و مترادف است می باشد.

در شکل حاضر، هدف آزمون درک مطلب جهت دادن دانش عمومی آزمودنی به سمت حل مشکلی خاص (ارزیابی میزان صحت) می باشد که این مهم طبق گزینه های معانی "یکسان" یا "متفاوت" ارائه شده است. از آزمودنی خواسته می شود که راه حل های داده شده را تجزیه و تحلیل کرده و توضیح دهد که آیا می توان صحت آنها را به شکلی متقن تثبیت کرد. آزمودنی می باید اینکار را با توجه به تفاوت های معنایی موجود، که گاه نامحسوس و گاه کاملاً آشکار می باشند، انجام دهد. این تفاوت ها به شاخص های فرعی وابسته هستند که یا از نوع لغوی رایج و یا ساخت شناسی و اثرگانی (صرفی) می باشند. ماهیت این شاخص ها به نوبه ی خود ایده ای از پیوستگی یا گسستگی مشخصی از معنا را خلق می کند.

بحث در رابطه با موارد ذکر شده ما را به سمت تجزیه و تحلیل جنبه های زبانی و فرا زبانی MAT-3 سوق می دهد. در ابتدا مقصود این بود که از تمایز بین سوال ها و پاسخهای **سطح زبانی** و **فراز زبانی** که بیشتر ساختار MAT-2 را به خود اختصاص داده اند استفاده کنیم. می باید یادآور شد که سوال و جواب در **سطح زبانی**، بیشتر بر روی نتیجه ی کلی یک مسئله خاص تکیه دارد. به عنوان یک مثال از MAT-3، سوال و جواب **سطح زبانی** در آزمون مترادف بر گزینه های "یکسان" و "متفاوت" تاکید دارد؛ همچنین در آزمون مقبولیت، "قابل قبول" / "غیر قابل قبول" ؛ در آزمون کاربرد دستوری، "درست" / "نادرست" و غیره. بمنظور انتخاب هر یک از این گزینه ها می بایستی مراحل تحلیل عناصر زبانی مرتبط با هر یک از این موارد را فعال نمود؛ با این وجود، در پاسخی که آزمودنی به

هر یک از این سوالها می دهد، توضیح در رابطه با چگونگی این تجزیه و تحلیلها وجود ندارد زیرا این توضیح به عنوان بخشی از دانش و شم زبانی آزمون دهنده باقی می ماند. در MAT-3 بحث و توجیه فرایندهایی که در ذهن آزمودنی برای پاسخ به سوال انجام گرفت ارائه شده اند تا معیارهای وضوح، مقصود، و تحلیل که خاص جنبه ی فرا زبانی هستند روشن گردند.

با این وجود، تمایز بین جنبه های *سطوح زبانی* و *فراززبانی* که در این راستا ارائه می شود تنها زمانی معتبر است که میزان صحت یک جمله یا گفتمان با قاطعیت تثبیت شود. ارزشیابی پاسخ در *سطح زبانی*، ارزشیابی ابتدایی محسوب میگردد زیرا تنها گزینه های موجود "درست" و "نادرست" خواهد بود. این حالت برای هشت مورد اول MAT-3 در همه ی نمونه ها صادق نیست. ارزشیابی نخستین پاسخ نامه های بدست آمده از یک بررسی آزمایشی در دانش آموزان دبیرستان و کالج در روم ایتالیا، از این دیدگاه حائز اهمیت بود. بسیاری از آزمودنی ها قادر بودند توضیحاتی پیچیده و قابل توجیه برای پاسخهای خود که کاملا متضاد بودند ارائه کنند: تعدادی به طور متقاعد کننده ای در خصوص تفاوت موجود بین جملات بحث کردند، در حالیکه مابقی ادعا داشتند که شباهت بنیادینی در غالب معنا حکم فرماست.

مواردی که در آن ها به طور معمول این اختلاف عقیده پدید آمده است به شرح زیر می باشد:

الف. ۱. ۱. ۲

الف. ۱. ۲. ۲

الف. ۱. ۴. ۱

الف. ۱. ۴. ۲

بررسی ترکیب کلمات در یک جمله نشان می دهد که مشکل انتخاب قطعی بین گزینه های معنای "یکسان"/معنای "متفاوت" از دو علت اصلی با ماهیت هایی فلسفی و زبانی نشأت می گیرد. موارد موجود در سوال، انواع ارتباطات کیفی، زمانی یا مکانی را بیان می کنند که بیشتر به عنوان طیفی مکانی - زمانی نمایان هستند تا رویداد هایی مجزا. تمییز دادن اینگونه ارتباطها به گونه ای منسجم همواره در طول تاریخ بشری مشکلی فلسفی و علمی به حساب می آمده و تنها از راه اتخاذ "تصمیم های" معمول بشری قابل حل شدن هستند. علاوه بر این، زبانی که این ارتباطات را ترجمه می کند، نه زبانی علمی بلکه طبیعی با تمام نقص های معنائشناختی اش است.

بنابراین، سوال های مربوط به *سطح زبانی* برای موارد ذکر شده در بالا حذف گردید، زیرا سوالی که در رابطه با یکسان یا متفاوت بودن معنایی باشد به خودی خود دارای ماهیتی فرا زبانی است. دقیقا این امکان مساوی و معتبر برای ارائه هر راه حل است که توانایی فرا زبانی برای ارائه توضیحات برای انتخاب یک گزینه را متمایز می نماید. بدین ترتیب، چنانچه امکان صحت و غلط بودن یک ایده به

یک اندازه وجود داشته باشد، معیار ارزیابی جواب ها، توانایی آزمودنی در ارائه توجیه منطقی و توضیح برای انتخاب پاسخ خواهد بود. با این وجود، تقسیم **سطح فرازبانی** به سطوح کیفی (منطبق با عمق توضیحات مربوط به سطح زبانی) که برای MAT-2 در نظر گرفته شده بود، در اینجا نیز معتبر هستند.

با در نظر گرفتن پیچیدگی زبانی متفاوت آزمون های MAT-3، برای ما این امکان بوجود آمد که سه بخش **سطح فرازبانی** ذکر شده در بالا در سطوح **صفر**، **یک**، و **دو** معرفی کنیم. لازم به ذکر است که پایین ترین سطح، عبارت است از نبود و یا کمبود تحلیل نشانه های زبانی مرتبط؛ سطح میانی شروع تجزیه و تحلیلی را نشان می دهد که روشنتر است اما باز هم محدود به این نشانه های زبانی است که از طریق یکسری توجیحات جزئی ارائه می شوند؛ و در نهایت، بالاترین سطح پاسخ، شامل بررسی سازمان یافته ای از تمامی نشانه های زبانی موجود و مرتبط می شود که به مفاهیم انتزاعی تر تبدیل شده و یا به همان شکل و از نظر زبانی مورد تحلیل قرار می گیرند، و جنبه های انسجام میان آن ها شناسایی می شود. در مثالهایی که در پایین خواهد آمد، برای هر مورد، ابتدا ماهیت شناختی و زبانی صورت مسئله مورد تحلیل قرار می گیرد، سپس شرایط لازم برای یک راه حل بهینه ارائه می گردد، و در نهایت، به ویژگی هایی که سطوح **فرازبانی صفر**، **فرازبانی یک**، و **فرازبانی دو** را از هم متمایز کند، می پردازد.

این پارامترهای ارزیابی **سطح فرازبانی** برای تمامی موارد MAT-3 معتبر می باشند، خواه برای مواردی که برای آنها یک سوال مربوط به **سطح زبانی** وجود دارد و یا انهایی که این سوال برایشان حذف گردیده (دسته ی اول عموماً شامل معانی صریح، در حالیکه دسته ی دوم مشخصاً بر اساس استفاده ی تمثیلی از زبان بنا نهاده شده اند).

مفهوم مقبولیت بر اساس دانش قواعد دستوری آزمودنی در یک متن کوتاه ارزیابی می گردد. آزمودنی می بایستی قادر به شناسایی و تصحیح خطاهای موجود در متن _ اغلب با ماهیتی صرفی- نحوی _ باشد و بتواند نهایتاً تصحیحات را توجیه کند. **سطح زبانی** در اینجا عبارت است از توانایی شناسایی و تصحیح این خطاها به منظور دست یابی به راه حل برای مشکل. از طرفی دیگر، **سطح فرازبانی** توانایی توجیه هر تصحیح از طریق تشخیص نوع قاعده ی نقض شده و همچنین از طریق راه هایی که بتوان مورد تصحیح شده را به درستی در بافت جمله قرار داد.

قسمت دوم، درک نمونه های مختلفی از زبان استعاری را بررسی میکند: این نمونه ها که برای هر یک از آنها دو مثال آورده خواهد شد عبارتند از استعاره هایی با مفهوم مشخص که در غالب جملات انفرادی ارائه می شوند، شعارهای تبلیغاتی و متون کوتاه ادبی. سطح زبانی در این بخش تنها در مورد شعارهای تبلیغاتی مرتبط می باشد زیرا که قسمت مهمی از درک مطلب، به توانایی ارتباط دادن قوانین

و ویژگیهای زبانی شعار به "معنی های" اجتماعی شیء تبلیغ شده می باشد. از آنجایی که مصداق شعار دقیقاً همین شیء می باشد، میزان صحت درک مفهوم جمله بر اساس توانایی آزمودنی در ارتباط دادن شعار و شیء تبلیغ شده ارزیابی می گردد. از سوی دیگر، سطح فرازبانی عبارت است از ارزیابی توانایی آزمودنی در تحلیل تکنیک زبانی خاص که طنز شعار و در نهایت جنبه های استعاری آن را تعیین می کند. از آن جایی که همیشه نمی توان میزان صحت درک آزمودنی از جملات استعاری و متون ادبی را بطور قطعی و به شکلی یکنواخت ارزیابی کرد، آزمودن این نوع درک مطلب تنها از طریق فرا زبانی و براساس تحلیلی عمیق و منطقی از ارتباطات معنایی که معانی استعاری جملات را به هم مرتبط می سازد امکان پذیر می باشد.

بخش دوم: پروتکل آزمون

الف: درک مطلب و مقبولیت

الف.۱. درک مطلب

(۱) ارتباطات کیفی

(۲) ارتباطات زمانی

(۳) آزمون ساختار شناسی واژگانی (صرفی)

(۴) ارتباطات مکانی- زمانی

الف.۲. مقبولیت

ب: درک زبان استعاری

(۱) جملات استعاری

(۲) شعار های تبلیغاتی

(۳) متون ادبی

الف.۱. درک مطلب

الف.۱.۱. ارتباطات کیفی

"جملاتی که ارائه می شوند، ارتباطاتی کیفی را مد نظر دارند. شما باید یکسان بودن یا متفاوت بودن مفهوم ارائه شده در دو جمله (سطح زبانی) را ارزیابی کرده و برای جواب های خود دلیل بیاورید(سطح فرا زبانی)".

سوالات نمونه:

الف.۱.۱.۱ (۱)

- او یک راه حل قابل قبول برای مشکل فراهم نمود.

- او یک راه حل خوب برای مشکل فراهم نمود.

الف.۱.۱.۲ (۲)

این یک درجه ی عالی از پیشرفت است.

این یک سطح بهینه از فراگیری است.

الف. ۱. ۲) ارتباطات زمانی

"جملاتی که هم اکنون به شما ارائه می شود ارتباطات زمانی بین دو رویداد را نشان می دهد. شما می بایستی بسنجید که آیا این ارتباطات در دو جمله از یک نوع هستند یا خیر (سطح زبانی) و برای جواب خود دلیل بیاورید (سطح فرا زبانی)."

سوالهای نمونه:

الف. ۱. ۲. ۱)

-ابتدا بخوانید، سپس فکر کنید.

-پس از خواندن، شروع کنید به فکر کردن.

الف. ۱. ۲. ۲)

-اولاً، خراب کاری نکنید.

-دومین باری است که داری اینکار را می کنی.

الف. ۱. ۳) آزمون ساخت شناسی واژگانی

"در هر دو جمله ی موارد زیر از واژه ی چشمش استفاده شده است. به نظر شما آیا هر دو مورد استفاده کاربرد یکسانی دارند (سطح زبانی)؟ شباهت یا تفاوت را در هر جمله توضیح دهید (سطح فرا زبانی)."

سوالهای نمونه:

الف. ۱. ۳. ۱)

- من دو دوست خارجی دارم. یکی اهل انگلیس و دیگری اهل آمریکا است.

- یک قهوه و دو چای برای میز شش!

الف. ۱. ۳. ۲)

- لطفاً یک به یک وارد شوید.

- لطفاً به درس یک مراجعه کنید.

الف. ۱. ۴) ارتباطات مکانی- زمانی

"جملات زیر با ارتباطات میان اشیاء یا اشخاص در مکان و یا زمان سرو کار دارند. شما می بایستی شباهت این ارتباطات را برای هر کدام از جملات مشخص کنید و برای پاسخ خود دلیل بیاورید (سطح فرا زبانی)."

سوالهای نمونه:

الف. ۱. ۴. ۱)

- شهرداری روبروی تئاتر است.

- تئاتر روبروی شهرداری است.

الف. ۱. ۴. ۲)

- قایق در وسط آب بود.

آب، قایق را احاطه کرده بود.

الف. ۱. ۴. ۳)

- ارسطو در قرن چهارم قبل از میلاد می زیست.

- افلاطون سیصد سال قبل از مسیح می زیست.

الف. ۲) مقبولیت

«شما موارد غیر عادی را در متن زیر خواهید یافت و می بایستی قسمت هایی که به نظر نادرست می آیند را پیدا کنید و سپس تصحیح نمایید (سطح زبانی). علاوه بر این، برای هر تصحیح، دلیلی بیاورید (سطح فرازبانی)».

سوال نمونه:

الف. ۲. ۱)

«سرهنگ فیلمور در اتاق کارش ماند و در میان پنجره به سمت جهت شمال نگاه کرد؛ به مثلث کوچک جلگه ی صحرایی که صخره ها آن را پنهان نمی کرد و باریکه ای از نقاط مشکی را دید که مثل مورچه ها به سمت او ، به سمت دژ، حرکت می کنند. کم کم به هیئت سربازانی واقعی در آمدند. هر از گاهی یک افسر داخل می آمد، بعضی اوقات ستوان سرهنگ جکسون یا سروان تفتیش یا افسرهای در حال وظیفه آن ها تحت بهانه های گوناگونی وارد شدند، بی صبرانه منتظر فرمان، به او اخبار بی اهمیتی گزارش می کردند: که اندوخته ی جدیدی از ذخایر غذایی در شهر آورده شده است؛ که کار تعمیر اجاق گازها آن روز قرار بود شروع شود؛، که تقریباً ده سرباز مرخصی گرفته قرار می بوده است که تا آن موقع برگشته باشند؛ که تلسکوپ روی سقف دژ مرکزی نصب شده است، اگر سرهنگ بخواهد از آن استفاده کند».

ب) درك مطلب زبان استعاری

ب. ۱) جملات استعاری

«هم اکنون به شما جملاتی داده می شود که کمی غیر متعارف هستند. شما می بایستی بگویید چگونه باید تعبیر شوند و معنایی که کلمات هر مورد متعاقباً به خود می گیرند را توجیه نمایید.»

سوالات نمونه:

ب. ۱. ۱)

- مغز مثل يك اسفنج است.

ب. ۱. ۲)

دایره المعارف ها معلم هایی هستند که به شاگردان نمره نمیدهند.

ب. ۱. ۳)

وقت طلاست.

ب. ۲) شعارهای تبلیغاتی

«تعدادی شعار طنزآمیز به شما داده خواهد شد که از روزنامه ها و پیام های بازرگانی گرفته شده اند، شیئی که در هر کدام مورد تبلیغ قرار گرفته ، کنار هر مورد آمده است. شما می بایستی نحوه ی تعبیر هر کدام را بیان کرده و معنایی که کلمات هر مورد متعاقباً به خود می گیرند را توجیه نمایید.»

سوالات نمونه:

ب. ۲. ۱)

«هیچ کس تنها نیست، همراه اول»

(اپراتور تلفن همراه)

ب. ۲. ۲)

«بودن یا نبودن ، دیگر مسئله ای نیست.»

(شیء تبلیغ شده: پیام گیر)

ب. ۳) متون ادبی

«تعدادی مصراع به شما داده خواهد شد که می بایستی برای هر کدام معنای خاصی که کلمات و عبارات در هر متن به خود گرفته اند را نشان دهید. نیازی به تأویل متون نیست، بلکه می بایستی به ماهیت معانی اشاره نمایید و پاسخ هایتان را توجیه نمایید.»

سوال نمونه:

ب. ۳. ۱)

سحر به بوی گلستان دمی شدم در باغ
که تا چو بلبل بیدل کنم علاج دماغ
به جلوه گل سوری نگاه می‌کردم
که بود در شب تیره به روشنی چو چراغ
چنان به حسن و جوانی خویشتن مغرور
که داشت از دل بلبل هزار گونه فراغ
گشاده نرگس رعنا ز حسرت آب از چشم
نهاده لاله ز سودا به جان و دل صد داغ
زبان کشیده چو تیغی به سرزنش سوسن
دهان گشاده شقایق چو مردم ایغاغ
(حافظ)

الف) منظور از " زبان کشیده چو تیغ به سرزنش " چیست؟

ب) این چطور به سوسن ارتباط پیدا می‌کند؟

معیارهای ارزیابی موارد افزوده شده همانند آن‌هایی است که در خصوص قسمت زبان استعاری این آزمون در زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این نسخه‌ی تخصصی شده‌ی آزمون، ارزیابی عمیق‌تری از توانایی درک زبان استعاری را که در هر دو نسخه جدید و قدیمی‌تر MAT-3 بررسی شده‌اند ارائه می‌دهد. این گونه ارزیابی درک استعاری، می‌تواند بین سبک‌های زبانی-شناختی مرسوم در گروه‌های مختلف اجتماعی و حرفه‌ای تمییز قائل شود. در واقع میتوان روشهای گوناگونی برای ارزیابی درک مفهوم لغات بطور کلی (و استعاره هابطور خاص) بر اساس پیشینه‌های تحصیلی متفاوت، اتخاذ کرد. سطح متفاوت پیچیدگی معانی استعاری موجود در این ابزار توسعه یافته نشانگر تنوع در مدل‌های شناختی-زبانی می‌باشد.

بخش سوم: روند اجرایی آزمون

MAT-3 آزمونی کتبی و کاغذ-و قلمی است که به طور انفرادی و یا گروهی اجرا می شود. با این حال، در صورت برگزاری به طور گروهی می بایستی اجرایی موشکافانه روی گروه های حداکثر پنج نفره در نظر داشت؛ صندلی ها می بایستی به گونه ای قرار گیرند که امکان تقلب در جلسه امتحان وجود نداشته باشد. به این ترتیب، ممتحن قادر خواهد بود به دانش آموزانی که نیاز به توضیح بیشتر دارند، توجه کافی داشته باشد.

برای هر کدام از قسمت های درک مطلب و زبان استعاری، کاغذ سفیدی توزیع می شود تا آزمایش شونده فضای کافی برای پاسخ داشته باشد. راهنمایی لازم برای هر مورد می بایستی بالای هر برگ چاپ شده باشد. برای آزمون مقبولیت می بایستی نسخه ای از متن به همراه دو برگ خالی برای تمامی جواب ها پخش گردد. با توجه به نیاز مداوم به بحث در هر مورد، اجرایی آزمون می بایستی به چهار مرحله مطابق زیر تقسیم گردد:

آزمون اول:

درک مطلب: حداکثر ۱۰ دقیقه برای هر چهار مورد زیر در نظر گرفته می شود

الف. ۱، ۲، ۲ الف. ۱، ۲، ۱ الف. ۱، ۱، ۲ الف. ۱، ۱، ۱

(شروع زمان گیری بعد از ارائه ی نمونه ی آزمایشی).

همانند MAT-1 و MAT-2، زمان عامل موثری در ارزیابی متغیر وابسته نیست، بلکه محدودیتی اجتناب ناپذیر بر روی مدت اجرایی آزمون است. محدودیت زمانی که نباید روی برگه های داده شده به دانش آموزان ذکر شود، می بایستی توسط ممتحن که قرار است قسمت دوم آزمون را اعلام کند، به آزمون دهنده ها گوشزد شود.

سوالهای نمونه و راهنماییهای لازم برای بخشهای خاص می بایستی به طور شفاهی توسط ممتحن ها به زبان آموزان ارائه گردند. در خصوص آزمونهای انفرادی، آزمون دهنده باید پاسخی بدهد که از نظر ممتحن بالاترین سطح کیفی را داشته باشد. ممتحن همچنین پاسخ صحیح را تکرار می کند تا کیفیت مد نظر پاسخ را برای آزمودنی ها روشن کند.

در خصوص آزمون گروهی، از طرفی دیگر، ایجاد پاسخ لزوماً ماهیتی «همگانی» دارد، که در آن ممتحن با ترکیب کردن پاسخ های فردی اعضای گروه جواب درست را مشخص می کند.

بنابر این، نشست اول به تقریباً ۶۰ دقیقه زمان نیاز دارد: ۱۰ دقیقه برای هر مورد به علاوه ی زمان لازم برای ارائه ی سؤالی نمونه.

آزمون دوم:

درك مطلب: سوالهای الف.۱،۴،۲، الف.۱،۳،۲، الف.۱،۳،۱، الف.۱،۴،۱،۳،۲، همانند نشست اول حداکثر به ۱۰ دقیقه زمان برای هر سؤال به علاوه ی زمان لازم برای ارائه ی سؤالی نمونه نیاز است، در مجموع معادل ۶۰ دقیقه.

آزمون سوم:

مقبولیت: مدت زمان این نشست حداکثر ۴۰ دقیقه می باشد که بعد از اتمام خواندن دستورالعمل شروع می شود. نکته: در اینجا هیچ سؤال نمونه ای وجود ندارد.

آزمون چهارم:

درك مطلب زبان استعاری: حداکثر زمان این نشست ۶۰ دقیقه می باشد که بعد از ارائه ی هر سؤال شروع می شود. ۲۰ دقیقه به هر بخش از این قسمت اختصاص داده شده است. (۱. ب جملات استعاری؛ ۲. ب شعارهای تبلیغاتی؛ ۳. ب متون ادبی) برای هر مورد بایدبرگه ای سفید در اختیار آزمودنی قرار گیرد تا در صورت لزوم هر دو طرف آن مورد استفاده قرار گیرد.

روش نمره دهی

MAT-3 طبق همان تقسیم بندی نظری و روش کمی مورد استفاده که در MAT-2 شرح داده شد، دو نوع نمره ی زبانی و فرازبانی را متمایز می کند:

- روش نمره گذاری دوتایی (درست یا نادرست) برای سطح زبانی که بصورت یک و صفر برای هر مورد بارم بندی شده و سپس در نهایت برای هر بخش جمع بندی می شود.
- روش نمره گذاری سه تایی با توجه به سطوح کیفی تعریف شده بر اساس درجه عمق و پیچیدگی توضیح زبانی برای سطح فرا زبانی، که بصورت صفر، یک، و دو برای هر مورد بارم بندی و در نهایت برای هر بخش جمع بندی می شود.

- امکان جداسازی دفعات تکرار پاسخها در سطوح متفاوت (صفر، یک، و دو) برای هر بخش، که مستقل از نمره ی کل برای هر نوع سؤال، وجود دارد، که به هدف تشخیص بهتر پراکندگی سطوح مختلف زبانی از نظر عمق و پیچیدگی.

با این حال، دو تفاوت مهم MAT-3 را از MAT-2 متمایز می کند:

- برای دلایل زبانی ذکر شده در رابطه با ابهام معنایی برخی جواب ها، همواره تقارنی بین سوال های سطح زبانی و فرازبانی وجود ندارد، و این ویژگی باعث شده تا آزمون بیشتر ویژگی فرا زبانی پیدا کند.
- معیارهایی که بر اساس آنها پاسخها در سطوح فرازبانی صفر، یک، و دو قرار می گیرند، در MAT3 پیچیده تر از آزمونهای قبلی می باشد. دلیل آن، پیچیدگی بیشتر آن می باشد که الزاما از طریق فاکتورهای معنایی تعیین می گردند. این ویژگی به تمایز پیچیدگی و عمق سطوح زبانی و در عین حال به تمرکز دقیقتر جنبه های فرازبانی آزمون کمک می کند.

بخش چهارم: سطوح پاسخ های فرازبانی

الف. درك مطلب و مقبوليت

سوال نمونه:

الف. ۱. ۱. ۲)

- این يك درجه ي عالي از پیشرفت است.

- این یک سطح بهینه از فراگیری است.

راهکردهاي کلي

دو مفهوم پیشرفت و فراگیری که در جملات بالا بیان شدند به انواع مختلفی از تحولات کیفی بر می گردد و در عین حال جنبه ي مشترک دارند: گذر از حالتی ابتدایی به پیشرفته.

با این وجود، تفاوت ها در این مرحله می توانند از دیدگاه های متفاوتی دیده شوند که این دیدگاه ها از لحاظ زبانی می توانند به شکلی بیان گردند که معانی متضادی را بیان کنند. به عنوان مثال، « پیشرفت » و « فراگیری » می توانند با توجه به تضاد بین داشتن و بودن مشاهده شوند که بر آن اساس « فراگیری » به کسب و بدست آوردن چیزی خارجی بر می گردد، در حالیکه « پیشرفت » به تحول چیزی که از قبل در درون فرد بوده بر می گردد. تضاد معنایی دیگر مربوط به سطح گستردگی این مفاهیم می شود: پیشرفت به عنوان مفهومی گسترده تر از فراگیری قسمتی خاص از دانش و یا توانایی ها از جانب فرد در نظر گرفته می شود.

بهمین ترتیب بین دو کلمه عالی و بهینه نیز تضاد مفهومی وجود دارد. «عالی» در معنای مطلق، هم طراز با «بسیار راضی کننده» است، در حالیکه «بهینه»، «عالی» را در ارتباط با حالات و اهدافی مشخص می کند، و می تواند هم معنای «ایده آل» یا «بسیار دلخواه» در نظر گرفته شود.

نمره دهی سطح فرازبانی در این مورد به دنبال نمره دهی سطح زبانی می آید زیرا به سوال زبانی نیاز است. اما، توجیه ارائه شده برای درستی یا نادرستی جمله توسط آزمودنی مستقل از صحت جواب زبانی ارزیابی می شود: سطح زبانی یک، نشانگر ارتباط کیفی بین دو جمله می باشد در حالیکه سطح زبانی صفر بیانگر این است که دو جمله یک مفهوم دارند: اما سطح فرازبانی با توجه به معیارهای زیر ارزیابی می گردد.

سطح فرازبانی صفر

نبود یا کمبود تحلیل، همانند تکرار و اضحات یا پاسخ های بسیار کلی. توضیحات خیلی کوتاه و ناقص برای تمایز بین مفاهیم پیشرفت-فراگیری یا عالی-بهینه.

پاسخهای نمونه

۱) «این سؤال با کیفیت سروکار دارد چون به درجه ی پیشرفت ربط دارد. به علت عالی بودن درجه ی پیشرفت و درجه ی فراگیری، کیفیت این دو مفهوم همسان می باشد.» (عدم وجود تحلیل کافی و در نتیجه یکسان پنداشتن هر دو کیفیت: فراگیری با پیشرفت و عالی با بهینه یکسان فرض شده اند)؛ نمره صفر سطح زبانی (یکسان پنداشتن دو ویژگی) و نمره صفر سطح فرازبانی.

۲) «درجه ی کیفی بیشتری در جمله ی اول وجود دارد، زیرا فراگیری شامل توانایی ارائه یک استدلال منطقی نیست. شخص می تواند سطح بالایی از فراگیری را داشته باشد و در عین حال در ارائه ی استدلال با مشکل روبرو شود.» (تعبیری کوتاه و ناقص از پیشرفت و فراگیری: تحلیل روی نمونه های جزئی همانند ارائه ی یک استدلال متمرکز است؛ نمره سطح زبانی یک (تأکید روی تفاوت ها تأکید است) نمره سطح فرازبانی صفر.

۳) «این جملات به کیفیت متفاوتی از پیشرفت بر می گردند زیرا که فراگیری حاوی پیشرفت نمی باشد و تحول و توسعه الزاماً فراگیری را در بر ندارد»؛ نمره سطح زبانی یک (اشاره به کیفیت متفاوت) و نمره سطح فرازبانی صفر (توجیه از طریق تکرار و اضحات).

پاسخ زبانی صحیح الزاما به معنی توانایی کافی برای برای توجیه فرازبانی نیست، و از لحاظ نظری، پاسخ نادرست زبانی می تواند حد اقل در سطح متوسط فرازبانی مورد بحث قرار گیرد.

سطح فرازبانی یک

تحلیل مربوط به تنها یکی از دوتضاد معنایی موجود در سؤال: یا مورد پیشرفت-فراگیری یا عالی--بهینه، ولی نه هر دو با هم. به منظور رسیدن به این سطح کافی است یک خصیصه ی معنایی که تضاد را توجیه می کند، ذکر گردد.

پاسخهای نمونه

۱) «در جمله ی اول، درجه ی عالی از پیشرفت، بیشتر به اشیاء یا مفاهیم انتزاعی نسبت داده می شود تا به افراد. در دومی، از طرف دیگر، کلمه ی فراگیری، نوعی تفکر آگاهانه را مورد تأکید قرار می دهد

که نکته اصلی فراگیری است. بنابر این، این ها کیفیت هایی متفاوت هستند.» (تنها يك تضاد مورد تحليل قرار گرفته: پیشرفت-فراگیری به عنوان تضادي بين يك فرد آگاه و مفهوم دانش)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی یک.

(۲) «آن ها کیفیت هایی متفاوت هستند، زیرا دو صفت «عالي» و «بهينه»، دو چیز متفاوت را نشان میدهند. علاوه بر این، پیشرفت، رشد چیزی را نشان می دهد. فراگیری به معنای یادگیری یا فراگیری می باشد نه به معنای رشد یا پیشرفت.» (تنها يك مورد تضاد تحليل می شود، در حالیکه دیگری فقط ذکر شده و مورد تأکید قرار نگرفته است)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

(۳) «مفعول های جملات نشان می دهند که از لحاظ کیفی همسان نیستند: پیشرفت، مرحله ای ترکیبی و در نتیجه فعال است، فراگیری، مرحله ای غیر فعال است، (تنها يك مورد تضاد تحليل شده است: پیشرفت -- فراگیری، بر اساس يك خصیصه ي مشخص)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

سطح فرازبانی دو

در این سطح، دو متغیر وجود دارد: یا تحلیل دو تضاد پیشرفت -- فراگیری و عالی-بهینه با در برداشتن حداقل يك خصیصه ی مربوط به منظور توجیه تضاد موجود، و یا تحلیلی کامل تر از يك مورد تضاد.

پاسخهای نمونه

(۱) «دو جمله با يك کیفیت یکسان سرو کار ندارند، زیرا که پیشرفت می بایستی از لحاظ بودن و فراگیری از لحاظ داشتن درك شوند. علاوه بر این، صفات «عالي» و «بهينه»، معنای ضمني کاملاً متفاوتی دارند: یکی در بر دارنده ی مفهوم چیزی برتر و دیگری «ایده آل، یا حتی "مکفی" می باشد.» این مثال نشان دهنده کامل بودن و پیچیدگی پاسخ ها است: آزمورنی هر دو تضاد را مورد بررسی قرار می دهد و تفاوت آنها را به دقت و بر اساس طبقه بندی های کلی توضیح می دهد)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

(۲) «جملات به کیفیتی مشابه اشاره نمی کنند زیرا که هر دو معنای متفاوت دارند. رسیدن به «درجه ای عالی از پیشرفت، به احتمال قوی سطح نهایی مناسب تری در مرحله ی پیشرفت را نشان می دهد، گامی برتر در پیشرفت فرد یا گروه. پیشرفت يك گروه یا فرد در بر دارنده ی فراگیری خصوصیت ها، ویژگی ها یا کیفیت هایی مشخص می باشد. به عنوان مثال، پیشرفت يك کشور به درجه ی عالی لزوماً به کسب مقادیر بالایی از سرمایه و تعداد کافی ساختارهای درونی، یا سطح عالی از پیشرفت و رفاه عمومی نیاز دارد. فراگیری به معنای تملك است، و مرحله ی نهایی به مالکیت رسیدن است؛ سطح بهینه ای از فراگیری لزوماً به سطح عالی از پیشرفت مربوط نمی شود. مثلاً، رسیدن فرد به مالکیت ارثی

چشمگیر قطعاً با رشد عالی از جانب وی هم معنا نیست. احتمالاً این دو اسم بیشتر رابطه‌ی علت و معلولی دارند تا ترادف. (مشخصاً از طریق تحلیل یکی از دو مورد تضاد و اصولاً بر پایه‌ی تمایز بین داشتن و بودن)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

۳) «دستیابی به "سطحی عالی از پیشرفت" با دستیابی به "سطح بهینه‌ای از فراگیری" متفاوت است: به نظر من اولی رسیدن به سطح بالایی از پیشرفت که از قبل تثبیت نشده بوده؛ و دومی، سطحی که از قبل پایه‌گذاری شده بوده و با حداکثر تلاش به دست خواهد آمد را نشان میدهند. اولی بیانگر سطح بسیار خوبی در معنای مطلق است، در حالیکه دومی سطح حداکثر دلخواه به دست آمده با بیشترین تلاش که فراتر رفتن از آن غیر ممکن است را نشان می‌دهد». (تحلیلی کامل از تضاد عالی-بهینه، که شرایطش به طور کامل به بیان دیگر تأویل شده است؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

سوال نمونه

الف. ۱. ۲. ۲ (۲)

-اولاً، خرابکاری نکنید.

-قبل از هر کاری فکر کنید.

راهکارهای کلی

جملاتی که تشکیل دهنده‌ی این آزمون هستند، در برگیرنده‌ی یک تضاد معنایی- دستوری از لحاظ ارتباط زمانی، به خصوص تقدم، می‌باشند. تفاوت اصلی در این است که که تقدم در جمله‌ی اول از نوع منطقی می‌باشد که به مفهومی مطلق بر می‌گردد و توسط یک قید بیان شده است، در حالیکه تقدم در جمله‌ی دوم کاملاً از نوع زمانی است که روی لحظه‌ی خاص در ارتباط با لحظه‌ی خاصی دیگر تأکید می‌کند و از طریق حرف ربطی که به زمان مربوط است، بیان می‌شود. تفاوت کاملاً آشکاری در معنای دو جمله وجود دارد که وابسته به ویژگیهای ساختاری جمله است: بیان صرفی-- نحوی جملات. متعاقباً، سوال سطح زبانی مربوط به این تفاوت کاملاً توجیه پذیر است و جایی برای شک در مورد صحت پاسخ‌ها نخواهد بود. بنابر این، اولین گام، ارزیابی جنبه‌ی سطح زبانی بر اساس دو امکان می‌باشد: نوع یکسانی از ارتباط: نمره سطح زبانی صفر؛ نوع متفاوتی از ارتباط، نمره سطح زبانی یک.

به علت ماهیت متناقض پاسخ سطح زبانی صفر، توجیه حتی تا حدی منطقی در سطح فرازبانی، تقریباً غیر ممکن می‌باشد. برای جواب صحیح در سطح زبانی، استدلال فرازبانی می‌تواند بر اساس سه سطح ارزیابی شود.

سطح فرازبانی صفر

نبود یا کمبود تحلیلی که بیانگر تضاد بین دو نوع ارتباط زمانی باشد. پاسخ فرانوعی و / یا سردرگمی مفهومی.

پاسخهای نمونه

(۱) «ارتباطات زمانی متفاوت هستند به این علت که در مورد اول، اصطلاح "اولا" ارزش زمانی ندارد؛ در مورد دوم، از طرفی دیگر، "قبل از" ارزشی زمانی دارد.» (تحلیل فرانوعی: آزمودنی گام اساسی برای نشان دادن خاص بودن تفاوت را بر نمی دارد)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی صفر.

(۲) «جمله ی اول حاوی يك وجه امری است، "قبل از هر چیز"، بنابر این یک ارتباط زمانی بین یک قبل و یک بعد وجود دارد. در دومی، این ارتباط زمانی تکرار شده است و بنابر این، ارتباط زمانی موجود در دو جمله یکسان می باشد.» (سردرگمی مفهومی کلی که ناشی از تحلیل ناکافی از کلمات کلیدی جمله می باشد. به پیچدگی آشکار ناشی از واژه آرایه در پاسخ دقت کنید)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی صفر.

(۳) «ارتباط زمانی یکسان نیست زیرا که اولین جمله فقط می گوید که شما نباید خرابکاری کنید، در حالیکه دومی می گوید شما باید قبل از هر کاری فکر کنید.» پاسخ حشوی و نبود هیچ اثری از تحلیل)؛ نمره سطح زبانی یک و فرازبانی صفر.

سطح فرازبانی یک

تمرکز بروی تنها يك جنبه ی تضاد ارتباط زمانی: یا تقدم منطقی یا تقدم زمانی، ولی نه هر دو با هم.

پاسخهای نمونه

(۱) «من فکر نمی کنم که دو جمله يك مفهوم یکسان را بیان می کنند: اولی امری مطلق را دربر دارد که تقریباً فرد را از خرابکاری نهی می کند و به طور انتزاعی صحبت می کند، در حالیکه دومی به يك عمل خاص بر می گردد» (تأویل خوبی از جمله ی اول با استفاده از عبارتهایی همچون "امر مطلق" و "انتزاعی"؛ ولی روی ارتباط تقدم در جمله ی دوم تمرکز نمی شود و فرا نوعی باقی می ماند)؛ نمره فرازبانی و زبانی یک .

۲) «ارتباط زمانی یکسان نیست زیرا در حالیکه جمله ی دوم معنای کاملی دارد، اولی نشان می دهد که بعد از جمله ای که بعد از کلمه "اولا" آمده (خرابکاری نکنید)، باید منتظر جمله های دیگری که با "دوما" و یا "سوما" می آیند بود.» (استفاده از شم درونی برای درک ایده ی سلسله مراتب اهمیت در جمله، اما روی تحلیل ارتباطات زمانی در جمله دوم تمرکز صورت نمی گیرد)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

۳) «ارتباطات متفاوت هستند زیرا که "خرابکاری نکنید"، يك عبارت في البداهه است، در حالیکه جمله ی دوم ترتیب دو رویداد را نشان می دهد: "ابتدا فکر کردن/ سپس عمل کردن"». (تمرکز روی ارتباط تقدم به صورت کاملاً زمانی. تحلیل تقدم منطقی به حالت فرا نوعی باقی می ماند: "عبارت في البداهه". نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

سطح فرازبانی دو

تحلیل سازمان یافته ای از دو نوع رابطه زمانی در دو جمله که یا بصورت تأویل هر جمله بیان می گردد، تأویلی با جزئیات، یا بصورت بازگویی روابط زمانی متفاوتی از طریق گروه بندی های انتزاعی همچون "تقدم"، "مطلق بودن"، "وابستگی" و غیره. بعضی آزمودنی ها هر دو راهکرد را ادغام می کنند و به تحلیل های عمیقی در این راه می رسند. با این وجود، شایان به ذکر است که حتی با پاسخ هایی ساده می توان به سطح دو رسید، البته یه این شرط که با معیارهای تعیین شده ی سازمان یافته و تحلیلی ذکر شده در بالا مطابقت داشته باشند.

پاسخهای نمونه

۱) «هر دو جمله شامل ارتباطات زمانی هستند که قطعاً مشابه نیستند. در جمله ی اول که عمدتاً به حالت يك فرمان، امر و یا نصیحت محکم می باشد، "اولا" را داریم که به معنای "قبل از هر چیزی" است، به یاد داشتن این نکته که خرابکاری نکنیم. عمل بدون افزودن هیچ گونه حرف اضافه یا قید دیگر به "اول" گره خورده است؛ يك "اول" مطلق است که به "بعدي" ربط ندارد. جمله ی دوم، از طرف دیگر، حاوی ارتباطی از نوع وابسته بودن، از نوع توالی بین "قبل از هر کاری" و "فکر کنید"، بین دو عبارت بدون حرف ربط در جمله هست. "شما باید تنها بعد از فکر کردن، عمل کنید": جمله به راحتی می تواند بدون تغییر در معنا تغییر شکل یابد به شرط اینکه هر دو عمل اتفاق بیفتند، یکی پس از دیگری حفظ شود» (باز نویسی غنی و پیچیده ای از هر دو اصطلاح کلیدی در جملات به هر دو حالت تأویل و انتزاع سازی مطلق)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

۲) «اولین جمله، دقیقاً موقعیت ابتدایی يك عمل را بیان می کند. دومی اولویت يك عمل را نشان می دهد: فکر کردن در مقابل یک عمل دیگر: نوشتن. روابط زمانی متفاوت هستند». (بازنویسی دقیق اما در حد ضرورت مفاهیم دو جمله با استفاده از عبارات متعلق به دسته بندی مجازی)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

۳) «این دو جمله ارتباط زمانی یکسانی را نشان نمی دهند: استفاده از اصطلاح "اولاً" کاملاً با استفاده از کلمه ي "قبل"، فرق می کند. در مورد اول مثل این است که به شخصی دستور داده می شود، و اصطلاح "اولاً" نشان میدهد که چه کاری از بقیه مهمتر است یا اینکه ترتیب کارها چیست. جمله ي دوم که بیانگر یک توصیه است به این معناست که در ابتدا می بایستی خوب فکر کرد و سپس آنچه که بدان فکر شده است را انجام داد.» (تأویلی به جا از هر دو جمله)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

سوالات نمونه:

الف. ۱. ۳. ۱

- من دو دوست خارجی دارم. یکی اهل انگلیس و دیگری اهل آمریکا است.

- یک قهوه و دو چای برای میز شش!

الف. ۱. ۳. ۲

-لطفاً یک به یک وارد شوید.

-لطفاً به درس یک مراجعه کنید.

راهکارهای کلی

دو مورد بالا در اینجا ترکیب شده اند تا بهتر بتوان معیار کد بندی را توضیح داد، با اینکه می بایستی به منظور اجرای آزمون از هم متمایز نگه داشته شوند.

هر دسته از جملات با دیگری ویژگی ساختاری مهمی را به اشتراک دارد که ارزیابی کلی را تحت تاثیر قرار میدهد. تمرکز درک مطالب در اینجا روی عملکردهای متفاوتی است که عنصر صرفی- نحوی ("یک") در موارد گروه بندی دستوری و معین بودن معنایی در بافت جمله به خود می گیرد.

در جمله ی اول سوال نمونه الف. ۱. ۳. ۱ "یکی" ضمیر مبهم میباشد که در مقابل کلمه ی "دیگری" استفاده شده و مرجع آن در قسمت اول عبارت قرار دارد (دو دوست خارجی)، اما در جمله ی دوم "یک" به عنوان یک صفت شمارشی استفاده شده که کمیت را نشان می دهد (یک قهوه). این دو

جمله از لحاظ معنایی و کاربردی کاملاً متفاوت می باشند. بنا بر این پاسخ سطح زبانی به این صورت ارزیابی می شود: سطح زبانی صفر = عملکرد یکسان؛ سطح زبانی یک = عملکرد متفاوت.

اما تفاوت معنایی دو جمله ی سوال الف. ۱. ۳. ۲ به این روشنی نمی باشد. با اینکه کلمه ی "یک" در هر دو جمله صفت عددی می باشد، در جمله ی اول از نوع عدد توزیعی (یک به یک) و در جمله ی دوم عدد ترتیبی (درس یک) می باشد. ولی در هر حال هر دو جمله به مفهوم توالی اشاره می کنند. بنا بر این ارزشی برای سطح زبانی نمی توان در نظر گرفت که تفاوت و یا شباهت بین دو جمله را به روشنی منعکس کند. از این رو ارزشیابی بدون در نظر گرفتن پاسخ زبانی داده شده انجام می گیرد.

در سطح کاربردی، پاسخ هر دو مورد می باید در یکی از سطوح فرازبانی (صفر، یک، یا دو) باشد.

سطح فرا زبانی صفر

نبود، یا تحلیل ناکافی یا بی ربط جنبه های مربوط با واژه ای که می باید بررسی شود.

پاسخهای نمونه

الف. ۱. ۳. ۱

۱) «عملکرد مشابهی دارند. هر دو جمله یک اسم مفرد را به کار می گیرند با اینکه در جمله ی اول این اسم مفرد به اشخاص و در جمله ی دوم به اشیا بر می گردد.» (تحلیل بی ربطی که منجر به سردرگمی در رابطه با مفهوم دو واژه "یک" می شود)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی صفر.

۲) «عملکرد مشابهی ندارند. در جمله ی اول کلمه ی "یک" ضمیر مبهم و در جمله ی دوم کلمه ی "یک" عدد می باشد.» (تحلیلی که تنها اشاره به یک جنبه از تفاوت میان دو جمله دارد)؛ نمره سطح زبانی یک و سطح فرازبانی صفر.

الف. ۱. ۳. ۲

۱) «عملکرد مشابهی در دو جمله وجود دارد زیرا هر دو جمله یک اسم مفرد را به کار می گیرند با اینکه در جمله ی اول این اسم مفرد به شخص و در جمله ی دوم به شیء بر می گردد.» (ارزیابی نامشخصی از جملات و تحلیل بی ربط عناصر جمله)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی صفر.

۲) «در دو جمله ی بالا کلمه ی "یک" ارزش کمی مشابه دارد با این تفاوت که در جمله ی اول کاربرد قیدی و در جمله ی دوم کاربرد صفتی دارد. (تحلیل نامربوط)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی صفر.

سطح فرازبانی یک

تحلیل جزئی از جنبه های مرتبط کاربردهای "یک".

پاسخهای نمونه

الف. ۱. ۳. ۱)

۱) «در جمله ی اول کلمه ی "یک" دو دوست را مشخص و از هم متمایز می کند. در جمله ی دوم پیشرو اسم نکره است، و به "یک قهوه" اشاره دارد، مهم نیست کدام قهوه». (تحلیل صحیح تنها برای يك جمله)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

۲) «در جمله ی اول دو ضمیر "یک" و "دیگری" به دو کلمه ی مجزا اشاره می کنند که باعث روشن شدن مفهوم جمله برای شنونده می شود. ولی در جمله ی دوم "یک" کاربرد عددی دارد که به اسم بعد از خود اشاره میکند. بنابر این "یک" در دو جمله معنای یکسانی ندارد.» (تحلیل درست و مرتبط تنها از يك ویژگی هر جمله)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

۳) «در جمله ی اول "یک" موازی با "دیگری" قرار گرفته تا رابطه ی بین دو چیز یا شخص را نشان دهد. در جمله ی دوم "یک" یک عدد است که برای نشان دادن کمیت استفاده شده است.» (تحلیل تنها يك جمله)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

الف. ۱. ۳. ۲)

۱) «"یک به یک" قسمتهای یک گروه را از هم جدا کرده که علاوه بر عدد بودن یک پیشرو اسم است. کلمه «یک» در "درس یک" یک عدد است که جای خاصی را در کتاب مشخص میکند.» (تحلیل کاربردی تنها برای يك جمله)؛ نمره سطح زبانی صفر سطح فرازبانی یک.

۲) «کاربردها کمی متفاوت هستند. در جمله ی اول "یک به یک" در مقابل مفهوم بیشتر از یک (دو، سه،) قرار میگیرد. در جمله ی دوم "یک" بیانگر یک توالی عددی است.» (تحلیل مرتبط از جنبه های مهم تنها در يك جمله)؛ نمره سطح زبانی صفر و سطح فرازبانی یک.

۳) «در جمله ی اول "یک به یک" اشاره به یک گروه نامشخص دارد در حالی که در جمله ی دوم "درس یک" اشاره به یک واحد مشخص دارد.» (اشاره به تفاوت بین دو جمله ولی تحلیل نا کافی)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

سطح فرازبانی دو

تحلیل کامل و به جا از عناصر مرتبط با "یک" در جملات متفاوت. این سطح نیازمند آرایه کاملترین تحلیل می باشد. تمام تضادهای اصلی بین جملات در هر مورد می بایستی شناسایی شوند.

پاسخهای نمونه

الف. ۱. ۳. ۱

(۱) «در جمله ی اول یک ضمیر نکره وجود دارد و در جمله ی دوم یک عدد. هر دو جمله اشاره به یک "واحد" دارند در حالیکه جمله اول قسمتهای مختلف یک مجموعه را نشان میدهد ولی جمله دوم مفهومی را فهرست وار بیان می کند. کلمه ی "یک" اشاره به مرجعی در قسمت اول جمله دارد. ولی "یک قهوه" فاقد مرجع میباشد.» (مشخص کردن کاربرد متفاوت "یک" برای هر جمله، از دیدگاهی دستوری و لغوی)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

(۲) «در جمله ی اول کلمه ی "یک" ضمیر نکره است که فاعل فعل "اهل جایی بودن" می باشد و به جای کلمه ی دوست در جمله ی قبلی می نشیند و صراحتاً به یک شخص خاص اشاره دارد. در جمله ی دوم کلمه ی "یک" صفتی شمارشی است که تعداد قهوه ی سفارش داده شده را نشان میدهد.» (مشخص کردن کامل کاربرد "یک" در هر دو جمله که با مثال هایی مرتبط تکمیل شده است؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

(۳) «جمله ها عملکرد یکسانی ندارند. جمله ی اول یک عبارت نکره است که دو دوست را در دو قسمت جمله متمایز می کند. در جمله دوم یک صفت عددی شمارشی وجود دارد که بسیار واضح می باشد و چیزی را متمایز نمی کند.» (همانند مثال اول)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

الف. ۱. ۳. ۲

(۱) «جمله ی اول بیان میکند که افراد باید تک به تک وارد شوند نه همه با هم و یا نه دو تا دو تا و یا سه تا سه تا و..... در این جمله یک توالی زمانی وجود دارد که در آن اول یک نفر وارد میشود و بعد دیگری و تا به آخر. "درس اول" اسم یا شماره ی درس است. کلمه ی "یک" همانند بر چسبی است که ترتیب چیدمان درس ها را مشخص می کند.» (همانند بالا)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

(۲) «در جمله ی اول کلمه ی "یک" یک توالی را نشان میدهد، از یک کمیت که به دنبال کمیت دیگری می رود. در جمله ی دوم کلمه ی "یک" در سطح یکم قرار دارد که نشانگر یک شمارش ترتیبی از یک توالی مشخص شده می باشد.» (همانند بالا)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

۳). «در جمله ی اول کله ی "یک" یک عدد شمارشی است که یک کمیت مشخص را نشان میدهد. در این مورد "یک" به اشخاصی اشاره دارد که باید تک به تک وارد شوند. در جمله ی دوم کلمه ی "یک" عددی ترتیبی است که بجای کلمه ی "اول" استفاده شده است که جای درس را در کتاب مشخص میکند.» (همانند بالا)؛ نمره سطح زبانی یک و نمره سطح فرازبانی دو.

سوال نمونه

الف. ۱. ۴. ۱ ()

-قایق در وسط آب بود.

-آب قایق را در بر گرفته بود.

راهکارهای کلی

این مورد به گروهی که قبلاً ذکر شده تعلق دارد که بنا به دلایل فرازبانی مرتبط با ویژگی های طیف فیزیکی که به آن اشاره گشت، و نیز عناصر زبانی مرتبط با ابهام های ناشی از آرایش کلمات، بیش از یک راه حل به ما میدهد. بنابر این، سوال زبانی وجود ندارد و در نتیجه جنبه ی فرازبانی از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. این مورد با استفاده از معیارهای زیر ارزیابی می شود.

سطح فرازبانی صفر

نبود یا کمبود تحلیل: ارایه ی پاسخ های بی ربط یا نیمه حشوی.

پاسخهای نمونه

۱) «ارتباط مکانی یکسان است: در وسط و اطراف که در نمونه اول به قایق و در دومی به آب نسبت داده شده، مفهوم یکسانی را می رساند.» (اصطلاحات کلیدی شناسایی شده اند، اما تحلیلی صورت نگرفته که منجر به ارائه ی پاسخی حشوی گردیده است).

۲) «جمله ی اول ارتباط مکانی را بیان می کند که شبیه به جمله دوم است: اگر قایقی در وسط آب باشد، واضح است که آب قایق را در بر می گیرد.» (تنها یک اصطلاح کلیدی شناسایی شده است: " در بر گرفتن" به طور غیر مستقیم به معنی حضور آب تفسیر شده است).

۳) «ارتباط مکانی یکسان است زیرا در هر دو مورد قایق در آب است: با توجه به فعل جمله ی دوم و عبارت "در وسط آب" که در جمله ی اول آمده است به این نتیجه رسیدیم.» (واژه های مرتبط تعیین شده اما تحلیلی انجام نشده است).

سطح فرازبانی یک

تحلیلی ابتدایی به صورت ترجمه‌ی معنایی یکی از دو اصطلاح کلیدی (درب‌گرفتن/در وسط) ارائه شده است و صحبتی از ماهیت یا تفاوت معنایی دو جمله نشده است. در این صورت دو حالت محتمل است:

- آزمودنی قضاوتی در مورد معنی جملات ارائه می‌دهد و این تحلیل را با برداشتی از مفاهیم دربرگیری یا محصور سازی مرتبط با آب، کامل می‌کند؛
- آزمودنی قضاوتی در مورد تنوع معنایی در هر دو جمله ارائه می‌دهد و این تحلیل را با ایجاد تمایز بین مکانی خاص ("در وسط") و یک مکان ژنریک ("در هر نقطه‌ای") کامل می‌کند.

پاسخهای نمونه

- ۱) «جمله‌ها از نظر مکانی معنای مشابهی ندارند زیرا هنگامی که یک قایق در آب قرار دارد، همواره توسط آن احاطه می‌شود، در حالیکه وقتی می‌گوییم قایق در وسط آب قرار دارد فقط می‌تواند در فضای مشخصی باشد». (متغیری با ارزیابی منفی: معانی متفاوت. تفسیر عبارت "در وسط" به عنوان یک "مکان مشخص"، اما مفهوم "درب‌گرفتن" همچنان نادیده گرفته شده است).
- ۲) «ارتباط مکانی مشابه است. اگر قایق در وسط آب است، قطعاً توسط آب احاطه شده است. به منظور فهم این موضوع، این نکته را در نظر گرفتیم که قایق کجاست و توسط چه چیزی احاطه شده. مکان آن درون آب است بنابراین این توسط آب احاطه شده است». (متغیری با ارزیابی مثبت: معنای یکسان).
- ۳) «در وسط» و "درب‌می‌گیرد" مفهوم مشابهی دارند. اگر چیزی کوچک در وسط چیزی بزرگ باشد، شیء بزرگتر شیء کوچکتر را احاطه می‌کند». (متغیری با ارزیابی مثبت: معنای یکسان. مفهوم مشترک "در وسط" و "درب‌می‌گیرد" توسط ایده‌ی شامل شدن توجیه شده است، اما اصطلاحات بیش از این تحلیل نشده‌اند).

سطح فرازبانی دو

تحلیل سازمان یافته و بازنویسی تمام اصطلاحات کلیدی. از دیدگاه نظری، قضاوت در باره‌ی مفاهیم یا تفاوت معنایی، می‌تواند نتایج یکسانی داشته باشد. با این حال، افرادی که تفسیری منظم و قاعده‌مند از مفهوم "درب‌گرفتن" و "در وسط" ارائه داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که معنای این دو مفهوم یکسان نیست.

پاسخهای نمونه

- ۱) «صفت‌های اشاره مکان در جملات متفاوت هستند: در جمله ی اول با استفاده از اصطلاح "در وسط"، مکان دقیق قایق مشخص شده است؛ ولی جمله ی دوم کلی تر است ، به این معنا که قایق درون آب است ولی مکان دقیقش بیان نشده است. قایق می تواند در هر جایی باشد: نزدیک ساحل، سمت چپ، یا حتی لنگر انداخته باشد». (ترجمه ای سازمان یافته از هر دو عبارت "در وسط" به عنوان کلمه ای با مفهوم دقیق مکانی و نیز "درب‌بر گرفتن" به عنوان کلمه ای عام تر در بیان مکان).
- ۲) «ارتباط مکانی در این دو جمله یکسان نیست. اولی مشخص می کند که قایق در مرکز آب است. دومی، بر خلاف آن، به این معناست که قایق در مکانی کلی درون آب قرار دارد». (همانند بالا).
- ۳) «ارزش یکسانی ندارند. در جمله ی اول، عبارت "در وسط" موقعیت دقیق قایق را مشخص می کند، در حالیکه عبارت "درب‌بر می‌گیرد" که در جمله ی دوم به کار رفته است مکانی دقیق را مشخص نمی کند، بلکه هر جایگاهی را درون آب می توان در نظر گرفت». (همانند بالا).

نمونه سوال

الف. ۱. ۴. ۲

- ارسطو در قرن چهارم قبل از میلاد می زیست.
-افلاطون ۳۰۰ سال قبل از مسیح می زیست.

راهکارهای کلی

همانند مورد قبلی و بنابه دلایل مشابه ، البته مربوط به طیف زمانی، مورد الف. ۱. ۴. ۲ میتواند بیش از یک راه حل با توجه به درست بودن ایده بیان شده داشته باشد. به همین دلیل سوال سطح زبانی حذف شده و در نتیجه ارزیابی به طور مستقیم روی جنبه ی فرازبانی تمرکز می یابد.

سطح فرازبانی صفر

نبود یا کمبود تحلیل واژه های کلیدی "قرن چهارم/ ۳۰۰ سال پیش از مسیح"، که منجر به پاسخ هایی حشوی یا فرانوعی می گردد.

پاسخهای نمونه

- ۱) «ارتباط زمانی در این دو جمله یکسان است زیرا با وجود اینکه سال های مشخص شده در هر مورد متفاوت هستند، در هر دو مورد یک کلمه مقدم وجود دارد (کلمه ای که به یک کلمه همپایه مشترک که

بعد از آن آمده اشاره میکند). «(تفسیر فرا نوعی و بیان نکته ای واضح مانند وجود کلمه ی مقدم در هر دو جمله. به پیچیدگی آشکار عبارت "همپایه مشترک" دقت کنید که به تولد مسیح بر می گردد).
 (۲) «در جمله ی اول که می گوید ارسطو در قرن چهارم قبل از مسیح می زیسته، مثل آن است که بگوییم او ۳۰۰ سال پیش از مسیح می زیسته، بنابر این ارتباط زمانی بین جملات یکسان است.» (پاسخ حشوی).
 (۳) «در هر دو مورد ارتباط زمانی مشابهی وجود دارد؛ در هر دو مورد ارتباط از طریق یک کلمه مقدم نشان داده شده است. این نکته را میتوان از زمان فعل ها و واژه "قبل" دریافت.» (مفهومی فرانوعی از تقدم و همچنین شاخص های زبان شناختی که پیشتر نقل شد).

سطح فرازبانی یک

توضیح مجدد معنای تنها يك جمله به کمک يك اصل انتزاعي. در این مثال این اصل انتزاعی، بازه ی زمانی (۳۰۰ سال) را به برهه ای خاص از زمان (قرن چهارم) مرتبط می کند.

پاسخهای نمونه

- (۱) «جمله ها ارتباط زمانی یکسانی دارند» با اینکه "۳۰۰ سال" دقیق تر از "در قرن چهارم" است، زیرا "قرن چهارم" بازه ی زمانی ۱۰۰ سال را شامل می شود.» (تنها يك اصل كلي شناسایی شده است: دقیق/کلی بودن بازه ی زمانی).
- (۲) «ارتباط زمانی بین دو جمله یکسان است. قرن چهارم شامل سال های ۳۰۰ تا ۳۹۹ می باشد.» (تفسیری به جا بر اساس يك اصل كلي).
- (۳) «قرن چهارم قبل از میلاد مسیح شامل سال ۳۹۹ تا ۳۰۰ می باشد، بنابر این اینکه گفته شود افلاطون در قرن چهارم قبل از میلاد یا اینکه ۳۰۰ سال پیش از میلاد می زیسته، تفاوتی ندارد. دو جمله ارتباطات زمانی یکسانی دارند.» (همانند نمونه بالا).

سطح فرازبانی دو

توضیح مجدد هر دو جنبه ی مشترك و متفاوت ارتباط زمانی ارائه شده در دو جمله. برخی از آزمودنی ها علاوه بر ارائه ی مفهوم بازه ی زمانی، که در سطح فرازبانی یک مطرح شد، مفهوم شامل شدن يك زمان خاص (۳۰۰ سال) در بازه ای گسترده تر (قرن چهارم) را نیز مشخص می کنند.
 این دومین وجه تمایز جملات، همانگونه که از مثال های زیر میتوان برداشت کرد، می تواند به قضاوت هم در مورد شباهت و هم تفاوت معنای کمک کند.

پاسخهای نمونه

(۱) «در این دو جمله ارتباط زمانی اشخاص ذکر شده متفاوت است. من در این خصوص مطمئن هستم زیرا طبق اولین جمله ارسطو تقریباً ابتدای یک برهه ی وسیع زمانی (کل قرن چهارم که شامل سال های بین ۳۹۹ و ۳۰۰ قبل از میلاد می شود) می زیسته، در حالیکه با توجه به جمله ی دوم افلاطون در برهه ای مشخص (دقیقاً ۳۰۰ سال قبل از مسیح) زندگی می کرده است.» (متغیری با ارزیابی منفی: معانی متفاوت. تفسیری نظام مند از دو جمله: مفهوم یک بازه ی زمانی و مفهوم شامل شدن یک برهه ی زمانی مشخص در بازه زمانی گسترده).

(۲) «هر دو جمله بیانگر ارتباطی زمانی هستند که در عبارت "قبل از مسیح" نشان داده شده است. این ارتباط زمانی از این نظر برابر است که هر دو جمله به قبل از تولد مسیح بر می گردند: قرن چهارم شامل دوره ی بین ۳۹۹ تا ۳۰۰ است، بنابراین "۳۰۰" در این برهه زمانی قرار می گیرد، در نتیجه ارسطو و افلاطون هر دو در سال های یکسانی زندگی می کردند.» (متغیری با ارزیابی مثبت: معانی یکسان. یکبار دیگر، هر دو مفهوم بازه ی زمانی و شامل شدن در نظر گرفته شده اند، هر چند آزمودنیها بیشتر به دنبال موارد مشترک بوده اند تا تفاوت ها).

(۳) «ارتباط زمانی متفاوت: اولی دوره ی زندگانی ارسطو را در بازه زمانی گسترده ای شامل سالهای ۳۰۰ تا ۳۹۹ قبل از مسیح قرار می دهد. دومی زمانی بسیار دقیق یعنی ۳۰۰ سال قبل از مسیح را ارائه میدهد.» (متغیر با ارزیابی منفی: معانی متفاوت. با وجود اینکه آزمودنی همان مفهومی را از زمان برداشت کرده است که مورد قبلی نیز مد نظر داشته است، وی به دنبال عناصری می رود که لحظه ای دقیق را از بازه ای گسترده تر تمیز می دهد).

الف. ۲. مقبولیت

راهکارهای کلی

توانایی توجیه پاسخ های سطح زبانی نیازمند انسجام دو نوع فرآیند مکمل می باشد: از یک طرف، توانایی توجیه تغییرات انجام شده با استناد به یک قانون دستوری یا معنایی؛ از طرف دیگر، توانایی تعیین ارتباط معنایی عنصری خاص (که باعث غیر قابل قبول بودن ساختار شده است) با دیگر عناصر موجود در جمله. فرآیند اول را گروه بندی و دومی را بافتمندی می نامیم. بسته به میزان اجرای این فرآیندها، پاسخ ها در سطح های متفاوت فرازبانی (صفر، یک، و دو) قرار میگیرند. در سطح کاربردی معیارهای زیر را مد نظر قرار می دهیم.

سطح فرازبانی صفر

نبود یا نابه جا بودن توجیه ارائه شده به حالتی حشوی و یا طبق قواعد نامربوط که خصیصه ی پاسخ های مبتنی بر زیبایی شناسی است: «زیرا این گونه بهتر به نظر می رسد».

پاسخهای نمونه

(۱) به سمت جهت شمال: به سمت شمال: «جهت شمال " به معنای به سمت زمین صحرایی می باشد.» (توجیه به جا نیست. هیچ صحبتی از مفهوم یکسان "جهت" و "سمت" و حشو بودن استفاده ی هم زمان از این دو نشده است).

(۲) ممکن است حرکت کنند: حرکت می کردند: «به نقاط مشکلی بر می گردد، بنابراین حالت صحیح می بایستی "می کردند" باشد.» (توجیه نابجا. هیچ کلمه ای حاکی از اینکه جمله باید شرطی باشد وجود ندارد. فعل در اینجا باید به صورت گذشته استفاده شود تا بافت یکپارچه ی داستان حفظ شود).

(۳) هیئت: هیئت: «فکر می کنم "هیئت" در این بافت خوب به نظر نمی رسد و می بایستی به "هیئت" تغییر یابد.» (توجیه آهنگین ارائه شده است، در حالیکه تفاوت، دقیقاً معنایی می باشد).

سطح فرازبانی یک

توجیه نا کامل: آزمودنی تنها یکی از دو روش را بکار میگیرد؛ بافتمندی (در متن قرار دادن) و یا طبقه بندی.

پاسخهای نمونه

(۱) پنهان نمی کرد: پنهان نمی کردند: «پنهان نمی کردند باید باشد زیرا برای غیر جاندار جمع، فعل به صورت جمع به کار می رود.» (گروه بندی بدون بافتمندی).

(۲) این صبح: آن صبح: «"آن" به صبحی بر می گردد که صحنه در آن رخ داده بود. "این" در صورتی صحیح می بود که این جمله را یکی از شخصیت های داستان در صحنه میگفت. در غیر این صورت "این" تنها می تواند به زمانی حقیقی بر گردد که در آن خواننده در حال خواندن متن است.» (بافتمندی بدون گروه بندی ویژگیهای دوری و نزدیکی زمان در صفات).

سطح فرازبانی دو

توجیه به جا و کامل تغییرات: آزمودنی هر دو فرآیند گروه بندی و بافتمندی را به طور صحیح استفاده و با هم ادغام می کند.

پاسخ نمونه

از دفترش: در دفترش: «باید از حرف اضافه "در" استفاده کرد که به معنی درون و داخل است و با فعل "ماندن" همخوانی دارد و جایی که سرهنگ آنجاست را مشخص می سازد.» (همانند بالا).

ب) درک زبان تلویحی

ب.۱) جملات استعاری

راهکارهای کلی

دقت به نحوه بیان سوالات کمک میکند تا بتوان درک روشن تری از معیار کد گذاری بخش استعاره داشت. صرف نظر از اینکه چه تغییری در متن استفاده شده است، پاسخ به سوالات نیازمند تحلیل کلماتی است که به درک کلی استعاره مرتبط اند. بنابر این پاسخ مد نظر تفسیری ساده و قابل قبول از استعاره نیست، بلکه توجیه استدلال هایی است که شباهت ها و/یا تفاوت های بین اصطلاحات اشاره شده را به هم پیوند می دهد. پاسخ های شفاف تر، که اساس ملاک کد بندی ارائه شده در ذیل بوده اند، بروشنی نشان دهنده توانمندی این دسته از آزمودنی ها در جداسازی عناصر تشکیل دهنده ی هر جمله و سپس بازسازی آنها به نحوی جدید است.

در اینجا بحث ما توانایی کلی درک معنای عام استعاره نیست، بلکه توانایی فرا زبانی خاص برای تجزیه و تحلیل ساختار درونی استعاره هاست. بنابراین قسمت دوم MAT-3، به جز قسمتی که مربوط به درک شعارهای تبلیغاتی است، منحصراً بر روی سوالات ML تمرکز دارد. در قسمت شعارهای تبلیغاتی درک ارتباط بین شعار و شیء تبلیغ شده قدم اول در هر گونه تحلیل ML می باشد و معنای ارجاعی مرتبط با سوالات و پاسخ ها را در سطح زبانی نشان می دهد.

سوال نمونه:

ب.۱.۲)

-دایره المعارف ها معلم هایی هستند که به شاگردان نمره نمیدهند.

برای درك این استعاره فرد باید از طرفی عامل مشترکی که بین دایره المعارفها و معلم ها ارتباط ایجاد می کند و از طرفی دیگر آنچه که آن ها را از هم متمایز می کند را مشخص کند. شباهت بین این دو واژه در این است که هر دو مفهوم (دایره المعارف و معلم) عملکرد و وظیفه ای یکسان، یعنی انتقال دانش و فرهنگ، را بر عهده دارند. عامل اصلی که این دو مفهوم را از هم تمیز میدهد، نوع تعاملی است که ماهیت این دو ایجاد میکنند: ماهیت غیر جاندار دایره المعارف (تعامل یکطرفه) و ماهیت جاندار معلم (تعامل دو طرفه).

در سطح کاربردی، سطوح پاسخ فرازبانی طبق معیارهای زیر تقسیم بندی می شوند.

سطح فرازبانی صفر

عدم وجود یا ناکافی بودن تحلیل استعاره ای که دو اصطلاح کلیدی جمله (دایره المعارف ها و معلم ها) را به هم ربط می دهد: حتی تفسیر صحیح از يك یا هر دو واژه به این سطح از تجزیه و تحلیل تعلق دارد.

پاسخهای نمونه

۱) «دایره المعارف ها در تمامی زمینه ها اطلاعاتی را در اختیار ما میگذارند و با استفاده از آن ها میتوان هر چیزی را بدون زحمت آموخت.» (این تعریف، چنانچه بخواهیم آنرا برای معلم استفاده کنیم، تعریفی جزئی و ناقص می باشد).

۲) «از طریق دایره المعارف ها می توانیم هر موضوعی را یاد بگیریم بدون اینکه نیاز باشد به کسی درس پس بدهیم (این در واقع همان چیزی است که در مدرسه ها رخ می دهد).» (این تعریف، تعریفی صحیح و جامع از دایره المعارف است اما فاقد مفاهیمی است که به کمک آنها بتوان در جمله ی استعاره ای بالا، دو واژه دایره المعارف و معلم را به هم ارتباط داده یا از هم متمایز کرد).

۳) «معلم ها= منابع دانش. دایره المعارف ها= مجموعه کتابهایی که حاوی اطلاعات در هر زمینه ی علمی هستند: از جغرافیا تا تاریخ، از شیمی تا ادبیات.» (حتی این تعاریف هم کمک زیادی به تجزیه و تحلیل کافی در رابطه با ارتباط استعاری این دو واژه نمی کند).

سطح فرازبانی یک

در این سطح، تحلیلی روشن از همبستگی استعاری آغاز ولی ناتمام رها میشود. آزمودنی تنها روی دلایلی مبنی بر شباهت و یا تفاوت تمرکز می کند. در این قسمت معمولاً تفاوت ها نادیده گرفته می شوند

و آزمودنی به شباهت هایی می پردازد که از قسمت اول استعاره برداشت می شود (دایره المعارف ها معلم هستند).

پاسخهای نمونه

(۱) «ارتباط دایره المعارف ها با معلمها در این است که هر دو فرهنگ را ترویج می کنند؛ آن ها "گنجینه های دانش" هستند که به منظور کسب یا افزایش اطلاعات فرهنگی به آنها مراجعه میشود». (تمرکز صریح بر روی عناصر مشترک، که بدون در نظر گرفتن اجزایی که باعث تمیز دادن این دو واژه می شود، همبستگی استعاره ای را توجیه می کند).

(۲) «من فکر می کنم مقایسه ی دایره المعارف ها و معلم ها به محدود شدن معنی آنها منجر می شود. معلم ها انسان هایی هستند که می توانند دانش را به دیگران منتقل کنند، در حالیکه این ارتباط با دایره المعارف بصورت مکانیکی و یکطرفه انجام می گردد. اطلاعات موجود در دایره المعارف ها بسیار گسترده، با ارزش و غیر قابل مقایسه با اطلاعات یک معلم می باشد، ولی این را نیز نباید فراموش کرد که یک معلم واقعی نیز جایگاه و ارزشی خاص دارد» (در اینجا تمامی عناصر تمایز تعیین شده اند، ولی روی تحلیل شباهت ها تمرکز صورت نگرفته است).

(۳) «از آنجایی که اطلاعات فراوانی در دایره المعارفها گرد آورده شده، از نقطه نظر فرهنگی، فرد می تواند مطالب بسیاری را از آن ها بیاموزد، درست مانند معلم ها که نکات را توضیح می دهند و سعی دارند تا دانش خود را به دانش آموزان منتقل کنند: به همین دلیل است که دایره المعارف ها و معلم ها با هم مقایسه شده اند.» (همانند مثال اول که در بالا ذکر شد).

سطح فرازبانی دو

تحلیل صریح هم از عناصر مشترک و هم متفاوت که پیوند استعاری بین دو واژه موجود در جمله (دایره المعارف ها و معلم ها) را بوجود می آورند. همانند سایر قسمت های MAT-3، ممکن است شاهد تفاوتی در تجزیه و تحلیل افرادی باشیم که از معیارهایی که برای این سطح از تجزیه و تحلیل ارایه شد فراتر می روند: در واقع بجای تحلیل لازم از آنچه که خواسته شده، عده ای تحلیلی کامل از تمامی جنبه ها داده و در نتیجه پاسخ هایی طولانی ارایه میدهند، همانند موارد زیر.

پاسخهای نمونه

(۱) «دایره المعارف ها می توانند با معلم ها مقایسه شوند زیرا ما می توانیم در آن ها تمامی اطلاعاتی که به آن ها علاقه مند هستیم و نمی دانیم را بیابیم، درست همانند معلم ها در مدرسه که به کمکشان

چیزهایی که برایمان ناآشنا هستند را می آموزیم. يك تفاوت بين دایره المعارف ها و معلم ها این است که دایره المعارف ها نمی توانند آموخته های ما را ارزشیابی کنند زیرا غیر جاندار هستند، در حالیکه معلم ها می توانند از طریق تعامل اطمینان حاصل کنند که آیا شاگردان آنچه را که آموزش داده شده درک کرده اند یا خیر. کلمات مهمی که به معنای استعاره مربوط می شوند "دایره المعارف" و "معلم" هستند که هر دو بیانگر مفاهیم آموزش و دانش هستند، که مبنای شباهت آنهاست و مفهوم "نمره" مبنای تفاوت بین آنهاست.» (این تحلیلی نمونه و خاص می باشد، به این دلیل که هم در سطح معانی مرتبط با شباهت ها و تفاوت ها، و هم در سطح اجزایی که نقش کلیدی در تفسیر جمله دارند تفسیری کامل ارائه داده است).

(۲) «در این جمله به "دایره المعارف" شخصیت داده شده و به عنوان معلم گرفته شده است و روی این نکته تأکید دارد که "دایره المعارف ها" درست همانند يك معلم نقش انتقال فرهنگ را دارند. در حقیقت، هر دو منابع دانش و اطلاعات هستند که باعث پیشرفت افراد می شوند. حاصل تعبیری اینگونه از مفهوم دایره المعارف، حذف مفهوم ارزشیابی و نمره است که بر تفاوت بین دو واژه تأکید دارد: ارتباط بین يك متن و شخص، منحصرراً براساس دانش شخصی و مسئولیت یا علاقه استوار است، و بنابر این ممکن نیست که دانش بدست آمده از این راه را اندازه گیری کرد. نهایتاً، دایره المعارف ها نقشی منفعل را بازی می کنند و معلم نقشی فعال مبتنی بر تعامل و ارزیابی را ایفا میکند.» (از نظر تحلیل معانی مرتبط و توجه به تکنیک زبان شناختی که پایه و اساس فرمول استعاری را تشکیل می دهند شبیه به مورد قبلی عمل کرده است: «به "دایره المعارف" شخصیت داده شده»).

(۳) «این جمله سعی دارد که به دایره المعارف ها از طریق استفاده از اصطلاح "معلم" که معمولاً به انسان ها تلقی می شود، شخصیت انسانی ببخشد. در حقیقت، دایره المعارف ها همانند معلم ها گستره ای وسیع از مفاهیم و اطلاعات را عرضه می نمایند، ولی بر خلاف آن ها، امکان مقایسه و ارزشیابی که معمولاً توسط معلم ها انجام می شود را ندارند. به این دلیل است که آنها "نمره ای نمی دهند": از آن جایی که دایره المعارف ها غیر جاندار هستند، نمی توانند سطح یادگیری و دانش مراجعه کنندگان را بسنجند یا قضاوت کنند.» (شبیه مثال بالا).

سوال نمونه

ب. ۱. ۲

دریای علم

راهکارهای کلی

عبارت استعاره ای " دریای علم." موقعیت برابری برای دو واژه علم و دریا در نظر می گیرد: البته یکی با ماهیتی انتزاعی و دیگری با ماهیتی فیزیکی به منظور توجیه ارتباط بین این دو واژه در این عبارت استعاری، به تحلیل يك یا بیش از يك ویژگی مشترك بین این دو واژه نیاز است. در سطح کاربردی، گروه بندی سطح فرازبانی طبق معیارهای زیر صورت می گیرد. سطح فرازبانی صفر

نبود تحلیلی که دو اصطلاح را به هم مرتبط می سازد: این سطح شامل پاسخ هایی می شود که واژه های " علم" و " دریا" را بصورت جداگانه تحلیل می کنند، بدون اینکه ارتباط استعاری بین آن هارا بیابند.

پاسخهای نمونه

- ۱) «علم به بررسی پدیده های طبیعی می پردازد. دریا نیز یک پدیده ی طبیعی است که دانشمندان به مطالعه آن می پردازند.» (تحلیلی عام که به ارتباط استعاری بین کلمات نمی پردازد).
- ۲) «علم مثل دریا گسترده و عمیق است و با ورود به آن غرق می شویم.» (آزمودنی تحلیل را آغاز می کند و فرمولی جداگانه درست می کند که نتایجشان از لحاظ تعبیر استعاره ای به جایی نمی انجامد).

سطح فرازبانی یک

تعیین حداقل يك ویژگی مهم که ارتباط استعاره ای را توجیه می نماید: موارد شاخصی که در این مقوله قرار می گیرند شامل تمامی پاسخ هایی می شوند که به طور کامل فقط روی يك خصیصه تمرکز می کنند (عظمت، عمق، راز و یا هر عامل دیگری که رابط بین حالت فیزیکی و انتزاعی است - که در واقع بخش اساسی دو مفهوم استعاری مورد نظر ما، دریا و علم، میباشد).

پاسخ نمونه

« همانند دریا، علم نیز پهناور است و شامل عرصه های متفاوتی میشود. » (تفسیری کامل از يك ویژگی اساسی، یعنی ماهیت نامحدود، که ارتباط استعاره ای را توجیه می کند).

سطح فرازبانی دو

تحلیل ارتباط استعاری در این مرحله عمیق تر از سطح فرازبانی یک است، از این نظر که در این سطح حداقل دو ویژگی روشن و صریح از بین آنهايي که تاکنون ذکر شده و یا در رده ی قابل قبولی

قرار دارند ارائه میشوند. ذکر بیش از يك ویژگی برای توجیه استعاره، نه تنها پاسخ را از نظر کمی برتر میکند بلکه نشانگر انعطاف پذیری معنایی در این سطح از تحلیل استعاره ها نیز می باشد.

پاسخ نمونه

«اگر دریا را مد نظر قرار دهیم پهناور و ژرف بودن آن در ذهن تداعی میشود، علم نیز مانند دریا بی انتهاست و هیچ کس نمی تواند تمام حوزه های علم را بررسی کند و یا حتی در حوزه ای خاص به انتهای علم برسد.» (به وضوح چند بُعدی بودن استعاره را نشان داده است).

ب. ۲) شعارهای تبلیغاتی

راهکارهای عمومی

درک شعارهای تبلیغاتی ویژگی های خاصی دارد که آن را از دیگر بخش های آزمون درک استعاره ای متمایز می سازد. اول آنکه، بر خلاف استعاره هایی که تاکنون تحلیل شدند، این دسته به صورت ساخته های زبان شناختی دیده می شوند که بر اساس بازي های نامحسوس انگیزشی هستند. این بازی های انگیزشی با دستکاری دال ها ایجاد می شوند.

توانایی فهم طنز و خلاقیت در هر شعار بسته به توانایی جداسازی و دوباره سر هم کردن این ساخته های تخصصی- زبان شناختی است. این در واقع همان تکنیک به کار رفته در ساخت این شعار ها بوده است. این تکنیک به وضوح در گروه شعارهایی که در آن ها عنصر طنز بر اساس وارونگی مراجع فرهنگی خاص است دیده می شود، به عنوان مثال استفاده از برخی نقل قول های ادبی به حالت کلی. در این موارد، توانایی بازشناسی مرجع فرهنگی اصلی و شناسایی تمامی دستکاری های انجام شده در سطح دال به منظور ایجاد ارتباطات معنایی جدید، شرطی برای درک طنز می باشد. عنصر جدایی ناپذیر دیگر که در صدر مرحله ی درک قرار می گیرد ایجاد ارتباط میان معنای ساختار زبان شناختی جدید و معنای اجتماعی شیء تبلیغ شده است.

ساختار معنایی- زبان شناختی شعارهای انتخاب شده برای این بخش از MAT-3 دقیقاً با ویژگی های ذکر شده انطباق دارد. برای هر مثال آنچه که باید به عنوان پاسخ L کد بندی شود، مشخص شده و به معنای رجوعی شعارها وابسته است. در اینجا پاسخ در سطح زبانی می تواند درجه صحت پاسخ را بیان کند و همچنین آنچه که باید به عنوان پاسخ سطح فرازبانی کدبندی شود را تعیین میکند.

سوال نمونه

ب. ۲. ۱)

-هیچ کس تنها نیست، همراه اول (اپراتور تلفن همراه)

راهکارهای کلی

خلاقیت این تبلیغ در ایهام معنی کلمات به کار برده شده در آن است: "همراه" و "اول". بنابراین لازم است که معانی کلمات بازسازی شود و ارتباط بین شیء تبلیغ شده و هریک از معانی تفسیر گردد.

در سطح کاربردی، نمره سطح زبانی یک به پاسخ هایی داده می شود که ارتباط بین شعار و شیء تبلیغ شده را شناسایی می کنند، درحالیکه نمره سطح زبانی صفر به حالت هایی که این ارتباط را کشف نمیکنند تعلق دارد.

همانند سایر موارد که هر دو پاسخ سطح زبانی و فرازبانی وجود دارند، می توان بین توانایی شناسایی صحیح معنای زبانی و فرازبانی استقلالی نسبی قائل شد. سطوح فرازبانی طبق ملاک های زیر تقسیم بندی می شوند.

سطح فرازبانی صفر

نبود و یا کمبود تحلیل ایهام موجود در کلمات.

فهم تنها یکی از معانی موجود در این شعار تبلیغاتی که نزدیک ترین ارتباط معنایی را با شیء تبلیغ شده دارد.

پاسخهای نمونه

۱) «یعنی با وجود تلفن همراه دیگر تنها نخواهی بود.» (ارتباط بین کلمه همراه و شیء تبلیغ شده کشف

شده اما صحبتی از خصیصه ی کنایی آن نشده)؛ نمره سطح زبانی یک و فرازبانی صفر

۲) «پیشرفت تکنولوژی کمک کرده است که دهکده ای جهانی به وجود آید.» (مفهوم تکنولوژی به

صورت خاص به تلفن همراه و قابلیت ارتباطی که ایجاد میکند اشاره ندارد)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی

صفر.

سطح فرازبانی یک

در این سطح معنای کنایی تنها یکی از اجزای این شعار تبلیغاتی تشخیص داده شده است.

پاسخ نمونه

«در این تبلیغ از بازی با کلمات استفاده شده است. "همراه" هم به معنی موبایل و "یار" استفاده شده». (تشخیص ارتباط بین شی تبلیغ شده و شعار تبلیغاتی. ابهام تشخیص داده شده ولی توضیح کافی داده نشده است)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

سطح فرازبانی دو

تشخیص تمام عناصر کنایی و ارائه ی تفسیر مناسب در مورد ارتباط آنها به شی تبلیغ شده.

پاسخ نمونه

«در این شعار تبلیغاتی استفاده از کلمه ی "همراه" ابهام دارد: همراه می تواند به معنی ملازم و یار باشد که با قسمت اول شعار یعنی "هیچ کس تنها نیست" همخوانی دارد. همراه همچنین به معنی موبایل استفاده می شود که در این حالت اگر با قسمت اول شعار بررسی شود این معنی را می دهد که می توان با استفاده از موبایل با دیگران در ارتباط بود. "همراه اول" را نیز می توان هم به معنی اولین اپراتور و هم به معنی بهترین از نظر رتبه بندی تعبیر کرد». (چند لایه بودن معنی کلمات تشخیص داده شده و با تفسیری مناسب این معانی با شی تبلیغ شده ارتباط داده شده است)؛ نمره سطح زبانی یک و فرازبانی دو.

سوال نمونه

ب. ۲. ۲

-بودن یا نبودن ، دیگر مسئله ای نیست. (شیء تبلیغ شده: پیام گیر)

راهکارهای کلی

جوهره ی طنز این تبلیغ در سیستمی از تضادهای زبان شناختی و فرهنگی است که به سادگی در سطح دال نشان داده شده است. این شعار برگرفته از نقل قول معروف هملت نوشته ی شکسپیر است که با استفاده از تغییر معنا و سبک، جمله ی "بودن یا نبودن، مسئله این است." را تبدیل به "بودن یا نبودن، دیگر مسئله ای نیست" کرده است. این تضاد نه تنها شامل ساختار های زبان شناختی میشود بلکه در سطح بالاتر، سبک نقل قول معروفی را که در ذهن حک شده را تحت تاثیر قرار میدهد. این تضاد شامل دو عنصر اصلی است:

• تضاد "بودن" در معنای هستی گرایی و ماهیت فلسفی آن و "بودن" به معنای حضور صرف فیزیکی؛

• تضاد بين يك سوال بی جواب و مسئله اي حل شده.

یک تفسیر کامل در سطح فرازبانی می‌بایستی هر دو تضاد موجود بین این نقل قول تاریخی و شعار تبلیغاتی امروزی را شناسایی کند و آن‌ها را در خصوص رابطه شان با شیء تبلیغ شده منسجم سازد. به لطف اختراع پیام‌گیر، تکنولوژی این اجازه را به انسان مدرن می‌دهد که مشکل بودن یا نبودن را حل کند، که در اصل جزئی‌تر از مسئله‌ی "بودن یا نبودن" مطرح شده توسط هملت می‌باشد.

در سطح کاربردی، ارزیابی مثبت سطح زبانی (نمره یک) به آزمودنی‌هایی تعلق می‌گیرد که توانایی مرتبط ساختن معنای شعار و شیء تبلیغ شده را تا حد کافی نشان دهند، و ارزیابی منفی (نمره سطح زبانی صفر) نیز برای پاسخ‌هایی در نظر گرفته می‌شود که این توانایی در آنها نمود نیافته است. همانند سایر قسمت‌های MAT-3 که هم سوال در سطح زبانی و هم سطح فرازبانی وجود دارد، کیفیت بین پاسخ‌های سطوح زبانی و فرازبانی می‌تواند مستقل از هم باشد، به این معنا که می‌توان پاسخی با سطح زبانی صفر داشت که سطح بالایی از تحلیل فرازبانی داشته باشد، و یا پاسخی با نمره سطح زبانی یک و سطح فرازبانی صفر. سه سطح آنالیز فرازبانی بر اساس ملاک‌های زیر می‌باشد.

سطح فرازبانی صفر

نبودن یا کمبود تحلیل طنز: آزمودنی به این نکته اهمیت نمی‌دهد که معنای طنز آمیز تبلیغ چگونه ساخته شده است و مستقیماً به سمت ارتباط بین شعار و شیء تبلیغ شده می‌رود. متغیر در این سطح، درک شهودی ساده از مواد تشکیل‌دهنده‌ی طنز می‌باشد که در اینجا نقل قول ادبی است که به جای اینکه تحلیل شود فقط ذکر گردیده است.

پاسخهای نمونه

(۱) «این جمله مقدار کمی شوخی به جمله‌ی شاعر انگلیسی خالق هملت اضافه کرده است. تعبیر من این چنین است: حتی اگر در خانه نباشید، به لطف پیشرفت تکنولوژی، همیشه در دسترس خواهید بود یا از تماس‌های گرفته شده مطلع خواهید شد، بدون اینکه در شك باشید که آیا کسی می‌خواسته با شما صحبت کند یا خیر.» (تمرکز عالی روی ارتباط بین شعار و شیء. از دیدگاه فرازبانی، نقل قول که ماده‌ی خام می‌باشد تنها به طور ضمنی مورد اشاره قرار گرفته است)؛ نمره سطح زبانی یک و فرازبانی صفر.

(۲) «در این جمله، تعبیر کلمات "بودن یا نبودن" حائز اهمیت است. به عقیده‌ی من این کلمات، کیفیت و تکنولوژی پیشرفته‌ی محصول را روشن می‌کنند و گارانتی را که کمپانی محصول ارائه می‌دهد، نشان

می دهد.» (تحلیل رابطه بین شعار و شیء، ولی همچنان تکنیک های زبان شناختی نامشخص مانده است)؛
نمره سطح زبانی و فرازبانی صفر.

(۳) «از آنجایی که این تبلیغ توسط کمپانی تلفن ساخته شده است، به این معنا می باشد که به لطف و سالی هم چون پیام گیرها، مردم می توانند حتی وقتی بیرون از خانه هستند در دسترس باشند.» (درک کافی از ارتباط بین شعار و شیء تبلیغ شده. نبود تحلیل تکنیک زبان شناختی شعار)؛ نمره سطح زبانی یک و فرازبانی صفر.

سطح فرازبانی یک

تحلیل جزئی از تکنیک طنز که تنها به کشف یکی از دو تضاد اصلی ذکر شده در راهکردهای عمومی کمک می کند.

پاسخهای نمونه

(۱) «برای تبلیغ پیام گیر از جمله ای استفاده شده که مردم از قبل با آن آشنا هستند: "بودن یا نبودن، مسئله این است"، عبارت معروف از تراژدی هملت نوشته ی شکسپیر. پیام گیر وسیله ای است که وقتی در خانه نیستیم به تماس ها پاسخ می دهد و به تماس گیرنده این امکان را میدهد که پیغام و یا شماره ای برای تماس بگذارد. در این مورد، آنچه که همانند جمله ی شکسپیر دغدغه ی افراد بوده است، دیگر مسئله ی مهمی نمی ماند (جواب دادن یا ندادن به تلفن)، زیرا به هر حال پیغام به مسیر نهایی اش رسیده است.» (شناسایی عالی ارتباط بین شعار و شیء تبلیغ شده. بازیابی فرمول تاریخی و شناسایی تنها یک مورد از تضاد بین نقل قول قدیم و جدید: سوال بی جواب- مشکل حل شده)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

(۲) «این شعار تبلیغاتی بر گرفته از جمله ی مشهور هملت است: "بودن یا نبودن، مسئله این است". به لطف پیام گیر، امروزه برخلاف زمان شکسپیر، حضور نداشتن در خانه دیگر یک بحران هستی گرایی نیست، بلکه مسئله ی حاضر یا غائب بودن شخص تماس شونده مطرح است.» (هم ارز با مثال بالا، با این تفاوت که در این مورد تضاد بین قدیم و مدرن بین حضور/غیاب از نظر هستی گرایی و حضور/غیاب از نظر جسمی می باشد)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

(۳) «بودن یا نبودن، دیگر مسئله ای نیست»؛ با وجود پیام گیر، دیگر مسئله ای وجود ندارد زیرا پیغام ها ضبط شده و مسئله حل می شود. این تغییری است که در جمله ی اصلی هملت ایجاد شده است: "بودن

یا نبودن، مسئله این است" که در آن مشکل حل نشده». (همانند مثال اول در بالا)؛ نمره سطح زبانی و فرازبانی یک.

سطح فرازبانی دو

آزمودنی تحلیلی سازمان یافته از تکنیک زبان شناختی طنز ایجاد می کند و نقل قول تاریخی را بازیابی و تضادهای ذکر شده در بالا را شناسایی می نماید.

پاسخهای نمونه

۱) «این ترفند تبلیغاتی کاملاً طنز آمیز و جالب است زیرا که به پیام گیر که در غیاب صاحبش پیغام ها را ضبط می کند، جذابیت می بخشد: از آن جایی که جمله ی معروف شکسپیر "بودن یا نبودن، مسئله این است." کاملاً شناخته شده است، بسیار آسان درک می گردد. در این جمله که توسط تبلیغ تغییر یافته است، بودن یا نبودن دیگر مسئله ای هستی گرایی به حساب نمی آید بلکه مساله ای زمانی است و سوال از هستی گرایی به کاربردی و قابل حل تبدیل می شود- یابتر بگویم مساله ای حل شده می گردد». (درک کافی از ارتباط بین شعار و شیء تبلیغ شده. تحلیل باریک بینانه از تضادهای اصلی بین فرمول های قدیمی و جدید)؛ نمره سطح زبانی یک و فرازبانی دو.

۲) «بودن یا نبودن، دیگر مسئله ای نیست»؛ ویلیام شکسپیر از اینکه بشنود جمله ی هملت که بر خاسته از مفاهیم هستی گرایی عمیق بوده به منظور ایجاد یک تبلیغ استفاده شده در قبر خود می لرزد! جمله به این معنی است که، به لطف پیام گیرها غائب بودن از خانه دیگر مسئله ای نیست- بر خلاف مساله حل نشده ی شکسپیر- زیرا هم اکنون تماس ها ضبط می شود». (همانند بالا) ؛ نمره سطح زبانی یک و فرازبانی دو.

۳) «بر اساس فرمول نمایشنامه هملت، "بودن یا نبودن، مسئله این است"، تبلیغ پیام گیر اعلام می کند که بودن یا نبودن (در خانه) دیگر مسئله ی حادی نیست زیرا پیام گیر می تواند کارایی یک منشی را داشته باشد. این عبارت با نقل قول شکسپیر که در آن مسئله ی هستی گرایی و فلسفی مد نظر قرار گرفته، متفاوت است». (همانند بالا) ؛ نمره سطح زبانی یک و فرازبانی دو.

راهکارهای کلی

در تعبیر متون شاعرانه مساله ی تحلیل معنای استعاری دوباره مطرح میشود البته این بار در غالبی متفاوت که شامل گزیده های کوتاه و سوالهایی متفاوت میشود. این نمونه ها از رده ی استعاره های جدا فراتر می روند: از آنجایی که نمی توان از آزمودنی بخواهیم که تمام متن را بررسی و تفسیر کند بهتر دیدیم که توجه آنها را به ارتباط میان کلمات بارزی در مصرع ها جلب کنیم. از آزمودنی صریحاً خواسته می شود که معنای خاصی از این ارتباطات را باز سازی نمایند. قابل ذکر است که این کار تنها شامل تأویل متن نمی شود.

بار دیگر باید گفت که هدف، درک ذاتی از معنای کلی که در اینجا به کل متن اطلاق می شود نیست، بلکه هدف توانایی تجزیه و تحلیل اساس زبان شناختی به کار رفته در شگردهای ادبی مورد نظر می باشد. این رویکرد، ابهام و چالش تفسیر "هدف و منظور شاعر" و در نتیجه ی آن حقیقت نهان در شعر که خواننده می بایستی "کشف کند" را حل میکند. در این مورد، سوال سطح زبانی هیچ جایگاهی ندارد.

در این قسمت تنها سوالات سطح فرازبانی را میتوان مطرح کرد و پاسخ های ارائه شده را میتوان بنا به محدوده ی تعبیرهای محتمل ارزیابی کرد. همچنین باید خاطر نشان کرد که چیدمان مشابه کلمات می تواند از طرق مختلف تحلیل شود که نتایج متفاوتی را پدید می آورد. آنچه که در اینجا از لحاظ توانایی های فرازبان شناختی مورد نظر MAT-3 مهم می باشد این است که آزمودنی- با استفاده از پیوستگی و انسجام بتواند تحلیلی صریح از بخش های ارائه شده ی متن تهیه کند. عملیاتی که آزمودنی میتواند روی عناصر معنایی ارائه شده اجرا کند در ذیل مطرح می گردد. همانند سایر قسمت ها میزان کیفیت و شفافیت این عملیات در سه سطح فرازبانی صفر، یک، و دو مشخص می گردد که طبق ملاک های زیر مورد سنجش قرار میگیرند.

سوال نمونه

ب. ۳. ۱

سحر به بوی گلستان دمی شدم در باغ	که تا چو بلبل بیدل کنم علاج دماغ
به جلوه گل سوری نگاه می کردم	که بود در شب تیره به روشنی چو چراغ
چنان به حسن و جوانی خویشتن مغرور	که داشت از دل بلبل هزار گونه فراغ
گشاده نرگس رعنا ز حسرت آب از چشم	نهاده لاله ز سودا به جان و دل صد داغ

زبان کشیده چو تیغی به سرزنش سوسن دهان گشاده شقایق چو مردم ایغاغ
(حافظ)

راهکارهای کلی

همانند مثال بالا، سوال پرسیده شده توجه آزمودنی را روی جنبه های خاصی از معنا متمرکز می سازد و سعی در تسریع حالات فرازبانی از تحلیل دارد:
الف) منظور از " زبان کشیده چو تیغ به سرزنش " چیست؟
ب) این چطور به سوسن ارتباط پیدا می کند؟
قاعده های کلی ارائه شده برای مورد ب. ۳. ۱ در بالا برای این مورد نیز معتبر می باشند. در اینجا ضروری است که آزمودنی ارتباط معنایی بین تیغ کشیدن و سرزنش کردن را پیدا کند و بتواند این ارتباط را با ظاهر گل سوسن توجیه کند.
سطوح پاسخ های سطح فرازبانی به شرح زیر است.

سطح فرازبانی صفر

نبود یا کمبود تحلیل معنایی استعاری ارجاعی در هر دو سوال. آزمودنی پاسخ هایی حشوی، فرانوعی یا نابه جا می دهد. تعبیر بسیار تحت الفظی نیز به این سطح از ارزیابی تعلق دارند.

پاسخ نمونه

«منظور این است که گل سوسن زبانش را باز کرده و شروع به سرزنش دیگران کرده است.» (تعبیر ناقص و تحت الفظی. عدم درک مفهوم استعاره).

سطح فرازبانی یک

تحلیل جزئی از معنایی استعاری که می بایستی برای هر سوال مطرح شوند. آزمودنی تنها برای یک دسته از عناصر زمینه ی استعاری موجهی را ارائه می دهد، یا ساختاری و یا کاربردی.

پاسخ نمونه

«از آنجایی که سرزنش کردن دیگران باعث رنجششان میشود این کار به مانند کشیدن تیغ تعبیر شده است.» (تنها یک دسته از عناصر تحلیل شده اند).

سطح فرازبانی دو

تحلیل سازمان یافته و موجه از معانی استعاری مورد نظر در هر سوال. آزمودنی قادر به ساخت زمینه های ساختاری یا کاربردی صحیح برای هر دو سوال می باشد.

پاسخ نمونه

«سرزنش دیگران مانند جراحات دادن روح آنهاست جوری که انگار با تیغ روح آنها را تکه تکه میکنیم. از آنجایی که گلبرگ های سوسن همانند خنجر می مانند می توان باز شدن گلبرگ هایش را به کشیدن خنجر و تیغ تعبیر کرد و عمل سرزنش را به آن نسبت داد.»

بخش پنجم: جمع بندی نمرات

در MAT-3 ، همانند MAT-2 برای ارزیابی آماری و نمره دهی پاسخ های سطوح زبانی و فرازبانی به راهکارهایی جداگانه نیاز داریم.

نمره ی سطح زبانی به صورت تصاعدي محاسبه مي شود، امتیازات سطح زبانی برای هر مورد که بر اساس گزینه های دو تایی ۰-۱ هستند، (درست، نادرست) جمع می شوند. بسته به تمرکز محقق، این نمره می تواند به صورت جداگانه برای هر قسمت (MAT-3 مثلاً برای کل قسمت اول، یا زیر قسمت های الف. ۱ در درك مطلب و الف. ۲ در مقبولیت) و نیز به طور کلی برای کل آزمون در نظر گرفته شود. به طور دقیق تر، از آنجایی که تعداد سوالات در زیر مجموعه ی الف. ۱، ۴ می باشد، حداکثر نمره ای که میتوان در سطح زبانی کسب کرد چهار است. از آنجایی که تعداد سوالات در زیر مجموعه ی الف. ۲، ۱۵ است، بالاترین نمره ۱۵ می باشد. بنابر این، برای اولین قسمت بالاترین نمره ی بدست آمده این است:

$$4+15=19$$

بالاترین نمره ی سطح زبانی در قسمت دوم، ۲ می باشد زیرا شامل ۲ سوال در آن سطح است. بالاترین نمره ی کلی سطح زبانی برای تمام MAT-3 اینگونه خواهد بود:

$$19+2=21$$

از دیدگاه آماری، هر گونه مقایسه بین نمرات سطح زبانی برای گروه های مختلف آزمودنی و آزمون های متفاوت، و همچنین بررسی میزان همبستگی این نمرات با عملکردهای دیگر، به شرط استفاده از روش های پارامتریک، امکان پذیر است.

نمره ی سطح فرازبانی نیز می تواند به طور تصاعدي و از طریق جمع امتیازات بدست آمده در این سطح محاسبه شود. البته دو نکته، روش ارزیابی سطوح زبانی و فرازبانی را از هم متمایز میکند:

(۱) اول آنکه از آنجایی که محدوده ی سطح فرازبانی به سه سطح تقسیم می شود، ارزش عددی برای هر کدام متفاوت است. مجموع نمره سطح فرازبانی برای هر بخش از جمع نمره ی کسب شده در قسمت های آن بخش محاسبه میشود و این نمره میتواند ۰، ۱ و یا ۲ باشد. به عنوان مثال، اگر در قسمت درك مطلب الف. ۱ از بین هشت سوال سطح فرازبانی، ۴ پاسخ با نمره صفر، ۲ مورد با نمره یک، و ۲ مورد با نمره دو داشته باشیم، مجموع امتیاز کسب شده در آن قسمت اینگونه محاسبه میشود:

$$4 \times 0 = 0$$

$$2 \times 1 = 2$$

$$2 \times 2 = 4$$

$$6 = \text{مجموع}$$

بنابراین در بخش الف. ۱ درک مطلب که از ۸ سوال تشکیل شده است بالاترین نمره ی سطح فرازبانی، ۱۶ خواهد بود، زیرا بالاترین سطح نمره برای هر مورد ۲ است. به همین ترتیب، بالاترین نمره برای الف. ۲ (مقبولیت) که شامل ۱۵ سوال در سطح فرازبانی، ۳۰ خواهد بود.

بنابر این، بالاترین نمره ای که برای کل قسمت اول بدست خواهد آمد این است:

$$16 + 30 = 46$$

بالاترین نمره ی سطح فرازبانی برای بخش ب (درک مطلب زبان تمثیلی) با ۶ سوال، ۱۲ می باشد.

بالاترین نمره ی سطح فرازبانی برای کل MAT-3 این گونه خواهد بود:

$$46 + 12 = 58$$

آمار پارامتریک نیز می تواند به طور جداگانه یا کلی برای نمرات سطح فرازبانی در کل MAT-3 به کار گرفته شود.

(۲) دومین وجه تمایز بین نمرات سطح زبانی و فرازبانی این است که به علت تقسیم بندی نمرات سطح فرازبانی بر اساس سطوح متفاوت (صفر، یک، و دو)، همیشه این امکان وجود دارد که پاسخ های داده شده به سوالات سطح فرازبانی را بر اساس فراوانی آنها در سطوح مختلف بررسی کنیم. از آنجایی که کدبندی توسط سطوح، در واقع برجستگی برای نشان دادن تفاوت های کیفی است، بررسی نحوه ی توزیع این تفاوت های کیفی در سوالات هر بخش و یا بین جمعیت های آماری متفاوت خارج از لطف نیست. در این دست بررسی ها میتوان از آمارهای توصیفی ساده و روش های آماری غیر پارامتری بهره جست. البته همانطور که ذکر شد کاربرد آمارهای غیر پارامتری در (۱) مقایسه ی توزیع سطح بین گروه های متفاوت آزمایش شونده، یا (۲) در آزمایش شوندگان یکسان ولی برای قسمت های متفاوت آزمون، و یا (۳) به منظور بررسی همبستگی بین MAT-3 و سایر عملکردهاست.

بخش ششم: منابع

- Brown, A. L., and Day, J. D. (1983). Macrorules for summarizing texts : The development of expertise. *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior*, 22(1), 1-14.
- El Euch, S. (2011). Language aptitude and metalinguistic awareness in bilingual and in trilingual undergraduates. Paper presented in the 7th Conference on third language acquisition and multilingualism. Warsaw (Poland), 15-17 September.
- Pinto, M. A. (2011). Long-term effects of early bilingualism on metalinguistic awareness: A study on young adults. In P. Valore (ed.), *Multilingualism, Language, Power, and Knowledge* (pp. 7-27), Pisa: Edistudio.
- Pinto, M. A. (1999). *La Consapevolezza metalinguistica. Teoria, sviluppo, strumenti di misurazione*. Istituti Editoriali e Poligrafici Internazionali.
- Pinto, M. A., and Iliceto, P. (2007). *Test di abilità metalinguistiche n. 3. Fascia adolescenteadulta*. Rome: Carocci Faber.
- Pinto, M. A., et El Euch, S. (2015). *La conscience métalinguistique. Théorie, développement et instruments de mesure*. Québec : Les Presses de l'Université de Laval
- Pinto, M. A., Titone, R., and Trusso, F. (1999). *Metalinguistic Awareness: Theory, Development, and Measurement Instruments*. Roma: Istituti Editoriali e Poligrafici Internazionali.
- Zucchelli, C. (2008). *Abilità metalinguistiche in insegnanti bilingui e monolingui*, Faculté de Psychologie. Unpublished Master's thesis, Université de Rome Sapienza, Italy.